

فصلی نو در مشاوره حقوق معادن

ماهنامه شماره ۱ - نقش صحتا

فهرست مقالات:

سرمقاله: فقدان دانش حقوقی در فعالین معدنی بزرگترین دست انداز پیش روی سرمایه گذاران معدنی (Editorail) ۲

میزگرد حقوقی، تخصصی ماهنامه معدن و حقوق معادن با موضوع بررسی مواد ۱۲ و ۱۴ قانون معادن و ماده ۴۳ قانون برنامه ششم توسعه ۴

دلایل و مبانی قانونی مفایرت تقسیم به سهم، واگذاری و صلح بخشی از معدن و پروانه بهره برداری به اشخاص ۱۸

واکاوی حقوقی معدن کاری در اراضی موقوفه ۲۰

بررسی برخی از بندهای قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت های معادن از دیدگاه بخش های مؤثر مرتبط با منابع طبیعی و محیط زیست و تحلیل وضعیت اجرایی آنها ۲۳

نظام مهندسی موتور پیشران معدن کشور ۲۸

ضرورت و اهمیت مطالعات تطبیقی در حوزه حقوق معادن ۳۱

فصل دوم قانون معادن - اکتشاف ۳۳



شهریورماه ۱۴۰۱

صاحب امتیاز:

موسسه مشاوره و داوری معدن و صنایع معدنی صحتا

مدیر مسئول:

محمد رضا بهرامن

سر دبیر:

عباسعلی دریانی

شورای سیاست گذاری:

علاء میرمحمد صادقی، منصور نجمی نیا، عباسعلی دریانی، کیهان گوهرین

ویراستار:

هاریا پارسا

گرافیکست و صفحه آر:

سید محمد رضا ستوده

چاپ:

کیان چاپ

آدرس:

ایران، تهران، خیابان سعیه، بین فرصت و ایرانشهر، جنب بانک سپه، پلاک ۱۹۵، طبقه سوم

کدپستی: ۱۵۸۱۷۳۸۹۱۵

تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۱۲۵۰۴

فکس: ۰۲۱-۸۸۸۳۱۶۰۵

ایمیل:

info@samtaadvocacy.ir



مهندس محمدرضا بهرامن

مدیر مسئول ماهنامه معدن و حقوق معادن

سرمقاله

فقدان دانش حقوقی در فعالین معدنی بزرگترین دست انداز پیش روی سرمایه گذاران معدنی

موسسه داوری و مشاوره معدن و

صنایع معدنی صمتا برای ارتقای دانش

حقوقی فعالین معدنی در صدد است تا

نهضت حقوق آموزشی را راه اندازی

نموده و از طریق گرفتن امتیاز ماهنامه

فوق تخصصی معدن و حقوق معادن

برای آشناسازی فعالین و سرمایه

گذاران معدنی با حقوق حداقلی خود

تلاش نماید.

لذا از همین رو و در صورت ارتقای سطح دانش حقوقی فعالین معدنی بدون شک شاهد این حجم از معضلات و آسیب های اجتماعی نخواهیم بود چراکه

ارتقای دانش حقوقی جامعه معدنی

موجب کاهش اختلافات و بالتبع

پرونده های قضایی مربوط به این

بخش خواهد گردید که برای دستگاه

قضایی هم بسیار حائز اهمیت است.

وضعیتها با توافق یکدیگر سیستمهای میانجی گری را جایگزین فرایند معمول دادگستری کنند. مام دادیک (قانون اساسی) نقش انکارناپذیری در شکل گیری سامان حقوقی هر کشور دارد و نظام حقوقی نیز به نوبه خود شکل دهنده سیاست، اقتصاد و جامعه است و روابط میان افراد را هدایت می کند. عواملی چون اجتماعی بودن زندگی انسان، وجود تمایلات خودخواهانه در انسان ها، وجود کشمکشها و تعارضات

حقوق (جمع واژه حق به معنای سزه) یا سزمان (sezman) یا سزگان (sezgan) به پارسی، مجموعه قواعدی است که از طریق موسسات اجتماعی یا دولتی، جهت تنظیم رفتارها ایجاد و اعمال می شود. دانش حقوق، دانش تحلیل و سیر تحول قواعد حقوقی است. همچنین حقوق مجموعه قوانین و مقرراتی است که حاکم و ناظر بر روابط افراد و اشخاص می باشند. از حقوق در معنای امتیازی که شخص برای جامعه معینی دارد، به حقوق فردی تعبیر می شود. سزگان در نظامهای حقوقی ملی به روش های مختلفی ایجاد می شود؛ از راه وضع یا نسخ قانون (دادیک گذاری) توسط قوه مقننه، از طریق صدور آئین نامه ها و بخشنامه های دولتی در قوه مجریه، و تصمیمات قضایی الزام آور در قوه قضائیه (که این روش آخر در نظامهای کامن لا اهمیت بیشتری دارد). اشخاص خصوصی هم می توانند قراردادهای الزام آور قانونی را میان خود ایجاد کنند و در برخی

Mining activists Lack of Legal Knowledge as the Major Obstacle Facing Mining Investors

Publisher of Mining and Law on Mining

Monthly: Mohammad Reza Behraman

Law is defined as a set of rules that are created and applied through social or government institutions in order to regulate behavior. The knowledge of law is the knowledge of analysis and evolution of legal rules. Moreover, law is a body of rules and regulations that govern the relationships between individuals. Rights are interpreted as individual rights in the sense of privilege that a person has in a given society.

Sezgan (or rights) is created in different ways in national legal systems: through the establishment or repeal of the law (enactment) by the legislative branch, through the issuance of government regulations and circulars in the executive branch, and binding judicial decisions in the judiciary branch (this last method is more important in common law systems). Private individuals can also create legally binding contracts between themselves and in some situations, by mutual agreement, mediate systems can replace the usual judicial process.

The constitutional has an undeniable role in the formation of the legal system of any state, and the legal system in turn shapes politics, economy and society and guides the relationships between people. Factors such as the social nature of human life, the existence of selfish tendencies in human beings, the existence of serious conflicts and disputes in societies, the lack of sufficient instinctive and natural rules to govern society, and finally the lack of individual rationality and moral conscience to solve social problems, make the existence of a legal system necessary. It is vital for all societies.

The science of law is divided into many

branches in various ways. It is important to pay attention to the important branches of legal science from various aspects. Unfortunately, today we see the lack of mining law branch!

Samta Mining and Mineral Industries Arbitration and Consultancy Institute aims to develop the legal knowledge of mining activists, to start a legal education movement, and to try to acquaint mining activists and investors with their minimum rights through obtaining the license of the extra-specialized monthly magazine of mining and law on mining.

Therefore, if the level of legal knowledge of the mining activists is developed, we will undoubtedly not have the numerous social problems and dilemmas, because the improvement of the legal knowledge of the mining community will reduce the disputes and, consequently, the court cases related to this sector, which is of significance for the judiciary.

Samta Institute should be able to be trustworthy and accountable to mining activists, and today we believe that by proper understanding the challenges of investors, we should use all our powers and capacities to solve the problems and complications of the mining community.

All mining activists and investors in the current conditions of the country must have social responsibility towards all issues including mining economy, mining culture, damage and social problems, so that big steps can be taken to solve these problems and complications.

Also, in the current sensitive situation of the country, where the internal and external enemies do not hesitate from any attack or conspiracy to disrupt or stop the existing growing movement, it is necessary to work day and night to help the society and to solve the problems of the society with jihad efforts. Samta Institute will do its best and honest efforts in order to help people and to get God's satisfaction.

موسسه صمتا باید بتواند امانتدار و پاسخگوی فعالین معدنی باشد و امروز بر این باوریم که با شناخت درست چالشهای سرمایه گذاران می بایست از همه توان و ظرفیت ها برای حل مشکلات و معضلات جامعه معدنی استفاده کنیم. کلیه فعالین و سرمایه گذاران معدنی در شرایط فعلی کشور باید نسبت به همه مسائل از جمله اقتصاد معدن، فرهنگ معدنکاری، آسیب ها و معضلات اجتماعی، مسئولیت اجتماعی داشته باشند تا بتوان برای حل این مشکلات و معضلات گام های بلندی را برداشت. همچنین در شرایط حساس فعلی کشور که دشمنان داخلی و خارجی از هیچ حربه و توطئه ای جهت مختل و یا متوقف نمودن حرکت رو به رشد موجود دریغ نمی نمایند، ضرورت دارد برای کمک به جامعه شبانه روزی تلاش کرد و با کار و تلاش جهادی در راستای مرتفع نمودن مشکلات جامعه گام برداشت.

موسسه صمتا با هدف کمک صادقانه

به مردم و در راستای جلب رضایت

الهی از هیچ کوشش صادقانه ای دریغ

نخواهد نمود.

دبیر انجمن سنگ ایران

مهندس شریفی



نایب رئیس انجمن مس ایران

دکتر شعبانی



دبیر و مدیر اجرایی خانه معدن ایران

دکتر رکنی



عضو کمیسیون معدن و صنایع معدنی اتاق بازرگانی ایران

مهندس غرقی



میزگرد

رئیس هیات مدیره موسسه صحتا

مهندس بهرامن



عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

دکتر نژادی همنش



سازمان زمین شناسی

مهندس دری



مدیر اکتشاف وزارت صحت

مهندس مولاییگی



وکیل دادگستری

سید رضا میرآقایی



تخصصی



میزگرد حقوقی، تخصصی ماهنامه معدن و حقوق

معدن با موضوع بررسی مواد ۱۲ و ۱۴ قانون معادن

و ماده ۴۳ قانون برنامه ششم توسعه

اولین میزگرد حقوقی، تخصصی ماهنامه معدن و حقوق معادن در تاریخ ۱۴۰۱/۰۱/۲۹، به مدت دو ساعت در محل موسسه مشاوره و داوری معدن و صنایع معدنی صمتا، برگزار گردید. در این نشست که با حضور جمعی از اساتید، حقوقدانان و فعالین معدنی برگزار شد؛ مفاد مواد ۱۲ و ۱۴ قانون معادن و سایر مواد مرتبط و همچنین ماده ۴۳ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی، مفاهیم برآمده از مواد فوق، نحوه اجرا و عملکرد دستگاه اداری و ایرادات و ابهامات مترتب بر موارد فوق و ضرورت اصلاحات و پیشنهادات لازم مورد نقد و بررسی کارشناسان قرار گرفت که مشروح مذاکرات به شرح ذیل مورد اشاره قرار می گیرد:

مهندس بهرامن:

مدتی است که مجله‌ای را با مدیریت مسئولی خودم تحت عنوان معدن و حقوق معادن توسط مؤسسه صمتا پایه‌گذاری و

به ثبت رسانده‌ایم. **به دلیل نیازهای**

حقوقی معدن داران و به واسطه اینکه

فعالان معدنی از قوانین و مقررات

معدنی اطلاعات کافی را دارا نیستند

، میزگردی را تشکیل دادیم تا از نقطه نظرات متخصصین این بخش بهره‌مند شویم.

شورای عالی معدن از ارکان قانون معدن است، حضور در شورای عالی معدن به‌وضوح ما را متوجه این مسئله مهم می‌سازد که معدن‌کاران به دلیل اینکه از قوانین معدنی اطلاعات کافی ندارند بیشتر

معدن و تجارت که به بخش حقوقی معدن اشرافیت کامل را داشته‌اند و از تجربیات سایر دوستان نیز در حوزه حقوقی و فنی مهندسی در این مجموعه استفاده خواهد گردید. نقطه‌نظرات تمامی کارشناسان در این‌گونه میزگردها جمع‌آوری و جهت آگاهی و استفاده جامعه، عیناً در نشریه منعکس خواهد شد. **بحث ابتدایی**

میزگرد را به دلیل اهمیت بالای ماده

۱۲ و ۱۴ قانون معادن، با نقد، بررسی و

حاشیه‌های این دو ماده که اکثر

معدن‌کاران و معدن‌داران با آن روبرو

هستند؛ آغاز می‌کنیم، لذا پرداختن به

موضوع این دو ماده از اهمیت اساسی برخوردار است. البته در ادامه ضمن اینکه در خصوص مواد فوق بحث خواهد شد،

از این ناحیه آسیب می‌بینند. نداشتن آگاهی از قوانین و مقررات معدنی در موارد عدیده باعث سلب صلاحیت و ورود سایر مشکلات و آسیب‌های عمده حقوقی به بهره‌برداران معدنی می‌شود. بر همین اساس بود که مؤسسه صمتا ایجاد گردید و بعد از تأسیس مؤسسه تصمیم به انتشار ماهنامه‌ای گرفته شد تا اطلاعات حقوقی را در اختیار فعالین معدنی و مخاطبین عام آن قرار دهد. صمتا در این خصوص فعالیت و رسالت خود را در قالب و عنوان یک مسئولیت اجتماعی انجام می‌دهد و در این راه از تلفیق تجربه یک گروه حقوقی و فنی مهندسی متشکل از افراد متخصص و باتجربه استفاده می‌نماید. به عنوان مثال از نقطه‌نظرات آقای میر آقایی، با تجربه حضور در معاونت حقوقی صنعت،

شد، در کنار آن ماده ۱۴ قانون را نیز

مورد بررسی قرار داده و نقطه نظرات

کارشناسان حاضر در میزگرد را جویا

خواهیم شد. نگاه ما به هدف و آرمان‌های

مؤسسه صمتا در زمینه خدمت‌رسانی منطبق بر نگاه آن دسته از افرادی است که در شکل‌گیری این مؤسسه و مجموعه به نحوی خاص مؤثر بوده‌اند، اشخاصی چون جناب آقای میرمحمد صادقی، جناب آقای مهندس نجمی نیا و جناب آقای گوهرین است.

شروع مباحث این میزگرد را از جنبه حقوقی به آقای میر آقای وکیل دادگستری در حوزه معدن می‌سپاریم.

میر آقای:

اینجانب بر اساس تجربه خدمت در بخش‌های مختلف دولتی و خصوصی مرتبط با بخش معدن و فعالیت‌های معدنی بر این باور هستم که عمده بحثی که با قید اولویت می‌توانیم در رابطه با ماده ۱۲ قانون مطرح کنیم و آن را موضوع اصلی بحث جلسه قرار دهیم، اصلاحاتی است که قرار

است در قانون معدن حاضر انجام شود. به

یقین می‌توان گفت که ماده ۱۲ قانون

یکی از اصلی‌ترین مواد قانون معدن

است.

شورای عالی معادن مرجع و رکن قانون معدن است. به‌گونه‌ای که اجرا نمودن موارد عدیده‌ای از مفاد قانون در مورد معادن و بهره‌برداران به آرای صادره از سوی آن و تصمیمات شورا متکی و وابسته است.

نمایندگان دستگاه‌های مهم اداری، قضایی و بخش خصوصی در این نهاد حضور مؤثر داشته‌اند و در واقع تصمیماتی که در شورا اتخاذ می‌گردد خط‌مشی جامعه معدنی کشور را تعیین می‌نماید.

اصلاح ماده ۱۲ در آینده بخش معدن دارای تأثیر عمده‌ای خواهد بود، لذا نقد این اصلاحات واجد اولویت است.

یکی دیگر از مهم‌ترین مباحثی که در اصلاحیه تدوینی قانون معدن باید روی آن مطالعه لازم صورت گیرد و مغایرت‌های

حاضر را مرتفع نماید؛ بحث شورای عالی

معدن استان‌ها و ایرادات مربوط به آن

است.

بیشترین ایرادی که جامعه معدنی به شورای معادن استان‌ها دارد این است که چرا متولی بخش معدن و دست‌اندرکاران معدنی که باید اکثریت آرا را به‌عنوان تصمیم‌گیرنده اصلی بخش معدن در این شورا داشته باشند از اقلیت رأی برخوردارند و نمایندگان غیر معدنی در استان‌ها برای بخش معدن کشور تصمیم می‌گیرند؟ در موضوع ماده ۱۴ نیز بحث حقوق دولتی مطرح است، سال‌هاست در بحث تعیین قیمت پایه حقوق دولتی، بیشترین دعوی کارشناسی را به‌عنوان بحث مطرح جامعه معدنی داریم و نیز اینکه قیمت پایه را چگونه باید کشف کرد؟ آیا دست‌اندرکاران معدن و همچنین سازمان نظام‌مهندسی معدن پیشنهاداتی را در این زمینه جهت رفع ایراد و تبعیض ارائه نموده‌اند که بر اساس آن بتوان قیمت پایه مواد معدنی را تنظیم کرد؟

این موضوع یکی از موضوعاتی است که چه در زمانی که اینجانب به‌عنوان معاون اداره حقوقی حوزه وزارت در وزارت صمت حضور داشتم و چه در وضعیت حاضر که به عنوان وکیل دادگستری مشغول به ارائه خدمت به جامعه معدنی هستم یکی از گلیه‌های عمده و موضوعات مورد درخواست طرح شکایت از طرف واحدهای



دارای این اختیار و این تنفیذ است که مجدداً ورود پرونده به شورای عالی معادن را ممکن ساخته و در مرحله بعدی رأی قبلی تغییر کند؟ اگر این چنین باشد مستند به کدام قانون و آیین نامه بالادستی است؟

در موارد بسیاری امکان دارد مسائلی باعث شود که دسته‌ای از معادن رفع سلب صلاحیت شود ولی در موارد مشابه ممکن است معادن دیگر با همان شرایط فرصت رسیدگی مجدد را نیافته و معدن سلب صلاحیت شده و متعاقب سلب صلاحیت، معدن به سایر اشخاص واگذار شود.

چنانچه در قانون جدید این قبیل موارد لحاظ نشود و اصلاح نگردد؛ مشکلات در این خصوص کماکان باقی خواهد ماند. بهتر آن بود که رأی صادره از سوی شورای عالی معادن قابلیت تجدیدنظر را نیز همانند رأی صادره در هیئت‌های تشخیص موضوع قانون کار داشته باشد.

سلب صلاحیت صادر می‌کند، در موارد و موضوعات دیگری نیز این نوع رسیدگی ملاحظه می‌گردد و اینجاست که وضع یک چارچوب رسیدگی، جهت حفظ حقوق اشخاص برای شورا ضرورت خود را نمایان می‌سازد.

یکی از خلأهای قانون معادن در زمینه

رسیدگی‌های شورای عالی معادن که در

این قانون دیده نشده است؛ شیوه و

آیین رسیدگی و دامنه اقدامات شورا

است. بارها این سؤال برای بنده پیش آمده است که معدنی که با رأی شورا سلب صلاحیت شده است را با کدام استدلال دوباره می‌توان با موضوع واحد به شورا برد و رفع سلب صلاحیت کرد؟! و مبنای این رسیدگی فوق‌العاده به تجویز کدام قسمت از قانون و یا آیین نامه است؟! آیا وزیر صمت

معدنی و معدن کاران در دیوان عدالت اداری را تشکیل می‌دهد.

در مورد ماده ۱۲ قانون معادن این

یادآوری واجد اهمیت است که آرای

صادر در شورای عالی معادن بعد از

مدت قانونی سه ماه از تاریخ ابلاغ،

دیگر قابل تجدیدنظرخواهی نیست و با

وجود این حساسیت در موارد بسیاری عدم ابلاغ رأی به ذی‌نفع آن، به دلیل نداشتن آیین دادرسی مدون شورا در بخش‌های مختلف از بدو تا ختم رسیدگی، صدور رأی، ابلاغ رأی، تجدیدنظر، قطعیت رأی و در نهایت اجرای مفاد رأی صادره محل اختلاف و ایراد است.

در کمال تعجب در مواردی مشاهده می‌گردد که شورای عالی معادن برای یک معدن سلب صلاحیت صادر نموده است و مدتی بعد مجدداً رأیی متفاوت از رأی اول خود صادر می‌نماید و در همان مورد رفع

قانون معادن

قانون معادن



مصوب ۱۳۸۸

مهندس بهرامن:

رئیس خانه معدن ایران در این رابطه تأکید می‌دارد:

ممکن است اطلاعات اشتباهی به

شورای عالی معادن داده شود و شورا

بر اساس آن اطلاعات ناقص تصمیم

گیری کند و حق قانونی افراد پایمال

شود و بر همین اساس رسیدگی مجدد

باید صورت گیرد؛ لذا زمانی که بهره‌بردار

اطلاعات و داده‌های درست را می‌دهد باید

حق تجدیدنظر را هم داشته باشد. اما این

درست است که در قانون معادن تنها این

مورد ذکر شده است که می‌توانیم از آرای

شورای عالی معادن در دیوان عدالت اداری،

تجدیدنظرخواهی کنیم و ذکر نشده است

که مجدداً از طریق شورای عالی معادن

می‌توانیم تجدیدنظرخواهی کنیم و ما

اخيراً در شورا به شدت شاهد این قبیل

اتفاقات هستیم.

یکی از وظایف شورا رسیدگی به مسائل

کمی و کیفی پرونده‌های ارجاعی است. شورا براساس داده‌هایی که وارد می‌شود تصمیم می‌گیرد، به‌عنوان مثال در حال حاضر در صورتی که یک سازمان اطلاعات اشتباه بفرستد و در آینده متوجه شود که اطلاعات اشتباه بوده است و درخواست طرح مجدد این پرونده را داشته باشد، در شورا از طریق دبیرخانه شورای عالی معادن مجدداً آن را بررسی می‌کنند و شورا ممکن است نظر خود را تغییر دهد، البته صاحب نظران حقوق اغلب در این مورد اعتقاد به اختیار شورا در مورد تغییر رأی ندارند، ولی شورای عالی معادن پس از بررسی رأی در مواردی آن را تغییر می‌دهد و بر اساس داده‌های درست دریافتی، رأی جدید صادر می‌کند. ماده ۱۲ مسائل خاص خودش را دارد و ماده ۱۴ هم مسائل خاص خودش را دارد.

خواسته تمامی تشکل‌ها این بوده است که در تمامی پرونده‌ها رسیدگی تسریع بخشی شود و در نهایت جهت تمرکززدایی در

رسیدگی شورای معادن استان‌ها را با یک ترکیب جدید و متفاوت از شورای عالی معادن تشکیل دادند.

در کنار ماده ۱۲ و ۱۴ ماده ۴۳ برنامه

ششم توسعه را داریم که در حال

حاضر بر اجرای ماده ۱۲ تأثیر گذاشته

است و به‌خاطر شکل‌دادن شورای

معادن استان‌ها، بلافاصله در اجرای

دستور کار قرار گرفته است. در حال

حاضر هدف ما این است که ماده ۴۳

قانون برنامه ششم را یک‌بار دیگر به

این صورت وارد برنامه هفتم توسعه

نکنیم و آن را در قالب اصلاحات قانون

معادن اصلاح کنیم.

پیشنهاد ما این بود که ما شورای معادن استان‌ها را با ترکیب متناظر با شورای عالی معادن داشته باشیم و به این مورد اصرار می‌ورزیم.

به این دلیل که بخش خصوصی حق

رأی دارد و نقش فعالین و متولیان

بخش معدن در شورای کنونی استان

ها به‌طور کلی حذف شده است، این

اصل مطلب است که در کمیسیون صنایع

و معدن مجلس هم مطرح و بحث شده و

خوشبختانه مورد توافق جمعی نمایندگان

مجلس حاضر در کمیسیون یاد شده نیز

قرار گرفته است.



مهندس شریفی:

چند نکته را می‌خواهم عرض کنم، ما متأسفانه درگیر این هستیم که می‌خواهیم قانون را اجرا کنیم، همان‌طور که قانون اساسی ما تصویب شده است منتها اجرا نمی‌شود و خیلی از مباحث آن به فراموشی سپرده شده است. ظاهراً ما عادت داریم که قوانین تصویب شود ولی اجرا نشود. در جلسات عیدیه‌ای که چندین سال است با مهندس بهرامن در کارگروه‌های کارشناسی داریم در خصوص قانون معدن کار کرده‌ایم، اگر قانون فعلی به‌درستی اجرا شود؛ هیچ مشکلی در بخش معدن

نخواهیم داشت. **علی‌رغم تمام نواقصی**

که ممکن است داشته باشد قانون

فعلی قانون خوبی است؛ اما مشکل

این است که توسط وزارتخانه اجرا

نمی‌شود و هر فرد برای خود تفسیر

جداگانه‌ای از قانون ارائه می‌دهد.

ماده ۴۳ مقرر شده است که ۱ درصد از فروش را برای جبران خسارات و انجام پروژه‌های بهداشتی و عمرانی در مناطقی که معدن مستقر هستند اختصاص دهیم (البته با نظر شورای معدن استان)، شورای معدن استان متولی بخش معدن است؛ اما نمی‌تواند در تشخیص این قبیل موارد به درستی انجام وظیفه نماید و از طرفی

اشخاص معدنی که ذی‌نفع اصلی

موضوع هستند و باید در این زمینه

حق رأی داشته باشند و همچنین

حضور داشته باشند؛ حق رأی نداشته و

نمی‌توانند نظر بدهند؛ به همین دلیل

حقوق آن‌ها پایمال می‌شود

ما در اینجا تلاش می‌کنیم که با اصلاح قانون بتوانیم شکل قانونی و صحیح آن را پیدا کنیم و معدنی‌ها در بخش معدن در استان‌ها به حقوق و حق خود برسند.

میرآقایی:

اصلاح قانون برنامه به‌عنوان سند بالادستی، یک ایراد پیدا می‌کند که ماده ۴۳ در قانون برنامه ششم توسعه، موضوع اعضای شورای استان‌ها را تعیین تکلیف کرده است. پس اگر ما در قالب قانون عادی، خواستار اصلاح قانون معدن باشیم و آن را تغییر دهیم در واقع ماده‌ای آورده‌ایم بر خلاف قانون برنامه و در این صورت نیازمند دو سوم آرای نمایندگان هستیم.

مهندس بهرامن:

باتوجه به اینکه برنامه ششم امسال تمام می‌شود و برنامه هفتم آورده می‌شود، پیشنهاد ما این است که اگر بخواهیم اصلاحات مربوط به اعضای شورا اجرایی شود؛ برنامه هفتم را با ترکیب جدید تعریف کنیم. به دلیل اینکه که قانون نقص دارد ما با مشکلاتی مواجه هستیم، یکی از مسائلی که ما پیش رو داریم این است که در



ماده ۱۲ و ۱۴ قانون معادن مهم‌ترین مسئله این قانون است و بیشترین دعاوی و مسائل بخش معدن مربوط به این دو ماده است.

تنها مشکل ما در اجرای ماده ۱۲ به

حوزه معاونت معدنی بازمی‌گردد؛ زیرا

مستندات کافی در اختیار شورا، برای

انشای رأی قرار نمی‌گیرد و همچنین

اکثر اوقات برخی استانداران به صورت

جهت‌دار و بدون اطلاعات کافی و کامل،

اظهاری نظر کارشناسانه می‌کنند.

یکی دیگر از مشکلات ماده ۱۲، عدم امکان حضور ذی‌نفع و رأی غیابی است و این مشکل هم به حوزه معاونت بازمی‌گردد؛ زیرا در طول این سنوات این حوزه در استان‌ها قصور داشته است. یکی دیگر از دلایل این معضلات، علاوه بر عدم حضور

ذی‌نفع در شورا، عدم توجه به اظهارات ذی‌نفع است و در این حالت ذی‌نفع ممکن است برای احقاق حقوق خود در مسیر نادرست و نیز فساد قدم بگذارد.

وجود ذی‌نفع در جریان دفاع ضروری

است؛ زیرا درباره بخشی از زندگی او

تصمیم گرفته می‌شود.

میرآقایی:

با درخواست ذی‌نفع جهت حضور در جلسه امکان حضور برای او فراهم می‌شود و می‌تواند در جلسه شورا حضور پیدا کند و از خود دفاع کند، قطعاً ذی‌نفع باید این درخواست را به دبیرخانه ببرد.

در مواردی نیز طبق ماده ۲۰، ذی‌نفع را سلب صلاحیت کرده‌اند و ادعای دستگاه، ابلاغ رأی شورا به بهره‌بردار است و این در صورتی است که خود فرد در جریان این سلب صلاحیت نبوده و قاعدتاً قادر به اعتراض و ارائه مدارک به شورا و حضور در جلسه آن نبوده و پس از آن هم تسلیم

دادخواست به دیوان جهت نقض رأی نیز با چالش‌هایی مواجه می‌گردد، بهره‌بردار باید بتواند در زمان تهیه گزارش کارشناس در موضوع ماده ۲۰ منتهی به سلب صلاحیت به مفاد آن در سازمان ذی‌ربط و وزارت متبوع اعتراض داشته باشد و هنگامی که کارشناس برگه ماده ۲۰ را آماده نمود بهره‌بردار هم باید آن را امضا و تأیید نماید.

اما خلأ در عدم وجود یک آیین‌نامه

قانونی مدون و یا آیین دادرسی برای

شورای عالی معادن جهت اطلاع

بهره‌بردار نسبت به حقوق و تکالیف

خود در قانون معادن دیده می‌شود که

این اشکال باید مرتفع گردد.

مهندس شریفی:

طبق ماده ۱۴ که به حقوق دولتی باز می‌گردد، باتوجه به ماده ۶۱ و عوامل آن، حقوق دولتی معادن باید از معدنی به معدن دیگر متفاوت باشد؛ زیرا ممکن است در طرفی سوددهی و در معدنی دیگر مشابه همان معدن، زیان دهی وجود داشته باشد.



خواهد بود.

میر آقایی:

قاعدتاً باید این گونه باشد؛ اما اگر با دید حقوقی آن را بررسی کنیم رأی شورای عالی معادن یک رأی شبه قضایی و اداری است و همچنین ماهیت داوری دارد.

دکتر نژندی منش:

در ماده ۱۲ بند الف به قول صاحب نظران حقوق که می گویند اتخاذ تصمیم در موارد اختلاف، دارندگان پروانه فعالیت معدنی در صورت توافق طرفین مبتنی بر حکم داوری است، بنابراین حکمی که صادر می شود، حکم قضایی نیست و قاعدتاً حکم داوری است و به صراحت آمده است.

مهندس دری:

بهترین قانون قانونی است که شفاف

بوده و کمتر بتوان آن را تفسیر کرد.

من در اینجا ترکیب شورا را که می بینم ۱۱ نفر هستند و چگونه است که فقط ۴ رأی از ۱۱ رأی می تواند اثرگذار باشد؟! و اینکه حتی ممکن است قاضی جزء این ۴ نفر نباشد! آیا این از نظر قانونی و حقوقی جای بحث ندارد؟

شورای عالی معادن را نگاه می کنیم می بینیم که ترکیب بسیار عالی داریم که شامل شخص وزیر، معاونت معدنی، یک قاضی عالی رتبه و نماینده ای از بخش خصوصی (خانه معدن)، اتاق بازرگانی، سازمان زمین شناسی و... که یک مجموعه را تشکیل می دهند و اعضای این مجموعه سعی می کنند کار را با عدالت انجام دهند و هیچ بی عدالتی از سوی اعضای شورا اتفاق نمی افتد، ما به جای کلمه بی عدالتی می توانیم از کلمه اشتباه استفاده کنیم که ممکن است هر جایی اتفاق بیفتد.

آقای مهندس بهرامن یک سؤال که برای من پیش آمده، وجود قاضی عالی رتبه است، آیا رأیی که شورای عالی معادن صادر می کند با وجود شخص قاضی، به عنوان یک رأی قضایی است یا خیر؟

مهندس بهرامن:

قاعدتاً باید باشد، ولی در تفسیر آن آمده است که این رأی می تواند مجدداً از طریق دیوان تغییر کند و رأی قابل تجدیدنظر

مهندس بهرامن:

اگر یک تفسیر درست از ماده ۱۴ در

دسترس ما باشد، قاعدتاً در برنامه های

مربوطه بهتر عمل کرده و چالش های

مربوط به پرداخت حقوق دولتی از میان

برداشته می شود و باید توجه داشت که

این چالش ها در آینده ممکن است

تبدیل به فساد شوند.

مهندس شریفی:

مهم ترین مورد در خصوص ماده ۱۴ که در خصوص حقوق دولتی است؛ کشف قیمت پایه است، در هر استان مسئول کشف قیمت پایه، متفاوت و تعیین نشده است، همچنین بزرگ ترین اختلافی که بین بهره برداران و وزارت اقتصاد، دارایی و سازمان صمت و مراجع ذی نفع وجود دارد، کشف قیمت پایه است، زیرا صورت مسئله پاک شده و اختلاف نظر بسیار زیادی بین سازمان صمت، بهره برداران، وزارت اقتصاد و دارایی و مراجع ذی ربط در استان ها، در خصوص کشف قیمت پایه وجود دارد و مرجع مشخصی نداریم.

مهندس دری:

در هر قانونی که نوشته می شود و تصویب می شود به مرور زمان کاستی هایش نشان داده می شود و در طول زمان نیاز به اصلاح، بازبینی و بروز رسانی دارد. ما وقتی ترکیب



مهندس بهرامن:

بنده چون کاملاً در جریان این موضوع هستم، روزی که روی این قانون در سال ۱۳۹۰ بحث می‌شد، شورای نگهبان ۳ نفر بخش خصوصی را از سامانه رأی حذف کرد، به این علت که رأی حاکمیتی بود و من به جایگاه دفاع رفتم و گفتم که این شورا، شورای داوری است، چگونه است که شما رأی ذی‌نفعان را حذف کرده‌اید؟! (ذی‌نفع واحد نیست، ذی‌نفع صنف است) و من به عنوان یک مطلع در جایگاه دفاع قرار می‌گیرم و مسائل را مطرح می‌کنم، شورای نگهبان تمامی مسائل را تأیید کرد که ترکیب، ترکیب کنونی شود و روزی که رأی آوردند؛ طبیعتاً درست بود که نوشتیم ۴ رأی از ۷ رأی، ذکر این مورد را فراموش کردم که در اولین جلسه شورای معادن، مطرح کردم که یک استفساریه دادند و گفتند **به دلیل اینکه حداقل از تصویب قانون باید ۶ ماه بگذرد تا این اصلاحات انجام شود**

ضمن اینکه خود اعضای شورا می‌توانند این مسئله را به صورت یک ترکیب توافقی که چند نفر از اعضا می‌توانند حضور داشته باشند و این اتفاق همان زمان افتاد و به این نتیجه رسیدند که کل اعضا بایستی در آنجا حضور داشته باشند و ما هیچ‌وقت با اعضای کمتر از ۷ نفر تصمیم‌سازی‌های خود را عملیاتی نکردیم. هدف اینجانب این بود که در پاسخ به سؤال آقای دری منش این اشتباه را توضیح بدهم و بگویم که این‌طور نبوده است.

مهندس دری:

در قسمت دیگری که در ارتباط با حقوق دولتی است گفته شده است که درصدی از ماده معدنی بر روی معدن به صورت کلوخه است و اگر برای هر معدن به صورت جداگانه درصد تعیین شود، نظرات مختلف ایجاد شده و فساد این موضوع از پیش بیشتر می‌شود.

مهندس مولایی:

حقوق دولتی، معادن را در چالش فرو

می‌برد و این در حالی است که

۱۵ درصد این معادن جزو معادن

کوچک هستند. به لحاظ تفسیر درست،

گرفتن حقوق دولتی از کنسانتره از اساس اشتباه است؛ زیرا معادن جزو انفال هستند و ما تنها به عنوان بهره‌بردار می‌توانیم از آن بهره‌برداری کنیم، پس ما مالک معدن نیستیم اما در قبال اینکه جزو انفال است باید حقوق دولتی تسلیم کنیم.

در تبصره ۴، محل خرج کرد نوشته

شده است؛ در واقع حقوق دولتی باید از

انفال گرفته شود نه از درآمد و سرمایه

خود بهره‌بردار، یعنی در ازای ارزش افزوده نباید حقوق دولتی گرفته شود و این قضیه در اصل دارای اشکال است.

قوانین ما بسیار مترقی است حتی اگر در سال ۷۷ تصویب شده باشد ولی تفاسیر زیادی از قانون وجود دارد.

مهندس بهرامن:

آقای مهندس ما نباید قانون را خدشه‌دار کنیم؛ زیرا قانون کاملاً درست است و می‌گوید درصدی از حقوق دولتی از ماده معدنی به صورت کلوخه (وقتی می‌گوید کلوخه یعنی ما هیچ واحد فرآوری نداریم)، اما هنگامی که کنسانتره می‌کنیم باید نسبت به زمانی که کلوخه است حداقل



دکتر رکنی:

باید نتیجه محور عمل کرد و بابت تمام چالش‌ها پیشنهاد و راهکار مناسب ارائه داده شود. در حال حاضر مخاطب ما دولت محترم است و کسی که تصمیم‌گیر این موضوع است باید آن را بشنود.

مهندس بهرامن:

خیر مخاطب ما دولت نیست، ما به صورت مستقیم مخاطب را تعریف نمی‌کنیم، منظور از مخاطب فقط معاونت معدنی نیست؛ بلکه ما در رابطه با موضوعی صحبت می‌کنیم که قصد پیدا کردن روش توسعه آن را داریم و لذا فرمولی که قرار است ارائه دهیم، فرمول توسعه‌ای است و ما بر روی ماده ۱۲ و ۱۴ صحبت کرده و راهکارهایی را که بتوان به وسیله آن سرمایه را حفظ کرد و تبدیل به سرمایه بزرگ‌تر کرد را ارائه می‌دهیم.

دکتر رکنی:

گفته شد که ماده ۱۲ نیاز به آیین دادرسی دارد و سیاست‌گذار باید از این به بعد به این بیندیشد که یک آیین دادرسی ضمیمه آن کند. با عنایت به این ۸ تبصره که هر کدام موارد خاص خود را دارند؛ حال برای ماده ۱۴ چه پیشنهاداتی وجود دارد؟ زیرا باید به مهم‌ترین آنها اشاره کرد.

مال ما است و خوشبختانه این نگرش تغییر پیدا کرده و برعکس شده است.

اصل ماده ۴۳ اشتباه نیست؛ بلکه

تفسیر ما و استانداران محلی از این

ماده اشتباه است. با تغییراتی که در

دولت پیش‌آمده است؛ بلافاصله اعلام کردند از این پرداخت‌ها ۱ درصدش را بدهید، در صورتی که قانون گویای چیز دیگری است و ما باید به قانون برگردیم، هرگاه بخواهیم به شیوه خود پیش برویم دچار سردرگمی شده و این سردرگمی برای کل فعالین ایجاد می‌شود، به همین دلیل سرمایه‌های جدید به بخش راه نمی‌یابند و این از جمله مسائلی است که باید مدنظر قرار بگیرد.

میر آقایی:

از جمله نقدها و مسائلی که همیشه

مورد بحث معدن‌داران بوده است زمان

ابلاغ و وصول حقوق دولتی است که به

حق است.

۲۰ درصد کاهش داشته باشد، این مبحث را ما به کرات مطرح کرده‌ایم، قانون کاملاً درست است، اما برداشت و اجرای قانون توسط ما اشتباه بوده و درصد گفته شده را نباید مستقیماً بیاوریم؛ بلکه باید آن را از کلوخه تعیین نماییم.

صراحت حقوق دولتی در قانون

مشخص است و درصدی از بهای ماده

معدنی کاملاً واضح است و هنگامی که

ماده معدنی دارای ارزش است آن درصد باید افزایش یابد. برای مثال هنگامی که ارزش ماده معدنی خام بعد از فرآوری ۱۰۰ واحد باشد، حقوق دولتی را از روی کنسانتره خروجی در نظر بگیرند، واحد ما باید به ۸۰ برسد، یعنی درصد در اصل کاهش پیدا می‌کند و انگیزه سرمایه‌گذاری در زنجیره بالا می‌رود که این به نفع کشور است.

هنگامی که مسیر برای فعالیت در زنجیره باز می‌شود باید به تشویق بپردازیم؛ زیرا بیش از ۸۰ درصد معادن کشور ما کوچک هستند و ما باید در مسیر، دائماً مشوق‌ها را داشته باشیم که حتی در اکتشافات نیز از فن آوری‌های نو استفاده شود.

در طرح پیشنهادی مجلس یک مسیر قفل شده وجود دارد که گفته شد اگر اکتشافات را حین بهره‌برداری انجام دهیم



میرآقایی:

باید دید که مهم‌ترین بحث ماده ۱۴ مبنای ما چه نوع ماده معدنی است؟ فرمول محاسبه آن چیست؟ و زمان ابلاغ به معدن جهت پرداخت باید ملاک دقیقی داشته باشد.

مهندس مولابیگی:

باید برای هر معدن در ابتدای بهره‌برداری مشخصات، موقعیت مکانی، نوع ماده معدنی، هزینه استخراج ماده معدنی و نیز موارد فنی آن مشخص شود و به‌عنوان شناسنامه آن معدن تا آخر دوام داشته باشد.

میرآقایی:

ما باید سیاست تشویقی داشته باشیم و بعد از مشخص شدن قیمت پایه، مضاعف بر آن هزینه دیگری از بهره‌بردار گرفته نشود.

مهندس بهرامن:

در قانون سال ۱۳۷۷ به‌صراحت عوامل کاهنده آمده است و باید آنها را در نظر بگیریم و عوامل و نگاه سنتی را دور کنیم و در این مسیر ممکن است برخی از معادن اقتصادی نباشند که در آن صورت باعث تخریب محیط‌زیست می‌شوند. ما نمی‌توانیم بدون نگاه به توسعه پایدار، راجع به فعالیت معدنی سخن بگوییم؛ زیرا

نگاه ما به آینده است و در جوامع بین‌المللی و نیز ایران محکوم هستیم. توسعه پایدار باید مهم‌ترین فاکتور ما در طول این مسیر باشد و **نمی‌توان گفت**

ماده ۱۴ را بدون در نظر گرفتن توسعه

پایدار مدنظر داریم، زیرا تبصره ۵ ماده

۱۴ مربوط به همان توسعه پایدار است.

مهندس دری:

ماده ۱۴ کاملاً شفاف و صریح بوده و پیچیدگی ندارد و قانون‌گذار به‌خوبی تمام قضایا و مسائل را دیده است، اما سؤالی که ایجاد می‌شود این است که آقای مولابیگی اینکه می‌گویند درصدی از ماده معدنی؛ آیا نمی‌شود این درصد را به‌صورت عدد ثابت اعلام کرد؟ و چرا این درصد سال‌به‌سال تغییر می‌کند؟! چرا یکبار به‌صورت اصولی اصلاح نمی‌شود؟

مهندس بهرامن:

این قانون است و در قانون صراحت وجود دارد، قانون باید فضا داشته باشد، در آیین نامه، ابزارها مشخص می‌شود ولی در قانون این وجود ندارد.

مهندس مولابیگی:

آقای مهندس دری، متغیرها هر سال بسته به شرایط تغییر می‌کند.

دکتر نژندی منش:

آقای مهندس دری؛ این دغدغه شما کاملاً در آیین‌نامه اجرایی مشخص شده است و درصد اعلام شده است.

مهندس بهرامن:

ورود ما در بخش معدن اصلاً حاکمیتی نیست یا انفال نبوده و نظارت، لازمه اصلی این بخش است. در واقع بخش معدن رها شده است. اما هنگامی که برای بخش معدن نظارت حاکم شود، شبهات برداشته می‌شود و مهم این است که تصمیم‌ساز نهایی متوجه شود انفال چیست؟ بخش معدن نیاز به نظارت دارد، ضعف اصلی ما این است که بدنه متولی به‌خوبی تعریف نشده است. اصلاً این امکان وجود ندارد که در کشوری معدن باشد اما نظارتی بر روی آن وجود نداشته باشد.

دکتر رکنی:

ساختار جایگزین نظارت چیست؟ یعنی اگر نظارت برداشته شود آیا جایگزینی در نظر گرفته شده است؟



همچنین شفافیت کافی و نیز نحوه

رسیدگی را داشته باشد.

لازم است پیشنهاد شود تا اجحافی در حق بهره‌برداران صورت نگیرد. شخص ذی‌نفع باید حضور داشته باشد و آیین دادرسی هم همین را ذکر کرده است و نمی‌تواند یک طرف دعوی را بخواند.

در ابتدا باید یک آگاهی حقوقی ایجاد شود و سپس نهاد واسطه جهت پیگیری و مطالبه‌گری ایجاد شود، زیرا از همان ابتدا خلأ وجود این تشکیلات، می‌تواند مسیر را درست کند.

اگر قرار است نتیجه بگیریم باید مسیر حقوقی درست را هم طراحی نماییم.

مهندس بهرامن:

اگر به جامعه‌شناسی مدنی نگاه درستی نداشته باشیم، باید در انتظار یک فاجعه بمانیم و تنها راه حل این است که ما در مجلس تلاش کنیم تا بتوانیم بخشی از آن را تأمین کنیم.

در اصلاحیه سال ۱۳۹۰ تغییرات لازم

داده شده است اما این تغییرات باعث

آسیب دیدن واحدهای کوچک‌تر

می‌شدند.

مهندس مولاییگی:

ماده ۱۲ و ۱۴ دو ماده فسادزا هستند و

باعث ایجاد بازار سیاه می‌شوند؛ زیرا

برای اینکه یک فرد بتواند دوباره پرونده را به جریان بیندازد عده‌ای از او هزینه می‌گیرند! ضمن اینکه آن به اصل حقوق فرد هم لطمه می‌زند. برای مثال ما برای فردی تصمیم می‌گیریم که در جلسه حضور نداشته و به همین سبب مستنداتش را هم ارائه نمی‌دهد، خود ماده ۱۴ از ابتدا ذکر کرده است که باید درصدی از ماده معدنی به تشخیص وزارت صنعت، معدن و تجارت و... باشد و در این حالت ما صلاحیت را به یک نهاد می‌دهیم؛ اما بحث نظارت بر آن کلاً فراموش می‌شود که این حالتی استبدادی است.

شورا باید آیین دادرسی و رسیدگی؛

داشته باشد؛ زیرا حداقل از لحاظ

حقوقی هرکجا صحبت از حقوق افراد

است، باید ضوابط آن را بدانیم

مهندس بهرامن:

در کل برداشتن نظارت کار اشتباهی بوده و جایگزینی نیز برای آن نیست و عواملی نیز برای آن وجود ندارد. برای مرتفع کردن این مسئله باید مجدداً خود نظارت را بگذارند.

کشور از تبصره ۵ ماده ۱۴ استفاده

می‌کردند و این در حالی بود که با

قانون و تبصره ۵ آشنایی نداشتند.

مهندس مولاییگی:

شرط لازم و کافی سیاست‌هایی که مورد نظر بخش خصوصی و مورد مطالبه آن‌ها است، باید در بخش دولت هم متناسب با آن ابزار و امکانات وجود داشته باشد.

مهندس بهرامن:

کانه‌آرایی بخش اولیه معادن است و هیچ‌وقت نباید آن را از معدن جدا دانست، ما می‌دانیم در طرحی که ارائه می‌دهیم بر پایه آن طرح برای ما یک درصدی حداقل برای دوره ۳ ساله مشخص می‌شود، زیرا درصد تغییری نمی‌کند، به این سبب در طرح ما می‌آید، اما رقم می‌تواند متفاوت باشد.



نامه مهندس شریفی، دبیر انجمن سنگ ایران خطاب به

معاونت محترم امور معادن و فرآوری مواد وزارت صمت

جناب آقای مهندس محتشمی پور

معاون محترم امور معادن و فرآوری مواد

سلام علیکم

احتراماً، همان طور که استحضار دارید؛ بر اساس ماده ۱۴ قانون معادن درصد حقوق دولتی باتوجه به عوامل مؤثری همچون: محل و موقعیت معدن، شرایط و موقعیت منطقه، میزان و نوع کانه آری، وضعیت ذخیره معدنی، روش استخراج، تعهدات و سود ترجیحی بهره بردار تعیین می گردد. همچنین به استناد تبصره ۴ ماده ۶۰ آیین نامه اجرایی، تعیین درصد حقوق دولتی و ابلاغ آن به بهره بردار در زمان صدور پروانه بهره برداری است. همچنین در ماده ۶۱، وزارت موظف است درصد حقوق دولتی را هر سه سال یکبار بازنگری کند و یا در صورت تغییر شرایط و ضرورت بازنگری در درصد تعیین شده به تشخیص وزارت این تغییر بر اساس طرحی خواهد بود که توسط بهره بردار ارائه و به تأیید وزارت می رسد.

با عنایت به مراتب فوق متأسفانه از تاریخ تصویب قانون معادن و آیین نامه اجرایی، تاکنون موارد قانونی فوق اعمال نشده و برخلاف قانون و برحسب سلیقه شخصی تصمیماتی اتخاذ و ابلاغ شده که به طور شفاف مغایر قانون معادن و آیین نامه اجرایی بوده است. تعیین درصد حقوق دولتی هر معدن باتوجه به عوامل مؤثر اعلام شده در قانون خاص همان معدن بوده و نمی توان در اتاق دربسته برای همه معادن درصد تعیین کرده و نسخه واحد پیچید.

با عنایت به مراتب فوق؛ کلیه بخشنامه های وزارت صمت در ارتباط با حقوق دولتی معادن مغایر قانون و آیین نامه اجرایی بوده و از طریق دیوان عدالت اداری می تواند نقض شود.

خواهشمند است دستور فرمایید موضوع تعیین حقوق دولتی در اولین جلسه شورای عالی معادن و با حضور تشکل های مرتبط تشکیل و تصمیمات منطبق بر قانون و آیین نامه معادن اتخاذ گردد.





سید رضا میرآقایی

وکیل پایه یک دادگستری

دلایل و مبانی قانونی مغایرت تقسیم به سهم، واگذاری

و صلح بخشی از معدن و پروانه بهره‌برداری به اشخاص

قسمت اول:

یکی از مشکلات عمده رسیدگی‌های

قضایی در دعاوی موضوع معدن و

صنایع معدنی عدم وجود محاکم

تخصصی است. پیچیدگی، گستردگی،

ظرافت‌ها و اختلاط مباحث حقوقی با

اطلاعات و تخصص فنی و مهندسی در

زمینه معدن و ارتباط آنها با قانون معدن،

آیین‌نامه قانونی و مقررات عدیده آن، لزوم

احاطه علمی و تجربه عملی به‌عنوان شرط

لازم و کافی ورود، بررسی، رسیدگی و

اظهارنظر در مورد اختلافات، دعاوی و

قضایات، داوری و کارشناسی و ارائه نقطه

نظرات مشورتی در خصوص معدن و صنایع

وابسته به آن را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

نگارنده حسب سال‌ها تجربه علمی، عملی

و کاربردی در مسئولیت‌های مختلف بخش

دولتی و غیردولتی و متعاقب آن، فرصت

خدمت در جایگاه وکیل دادگستری و

مشاور حقوقی تخصصی بخش معدن و

و صنایع معدنی اراده آن را دارد که باتوجه

به محدودیت منابع در دسترس فعالین

حوزه معدن جهت وصول به حداقل

اطلاعات لازم در هر یک از شمارگان

ماهنامه حاضر باتوجه به تعدد و تکثر

موضوعات متواتر و مطرح در سطح جامعه

معدنی به یکی از این مباحث ورود نموده و

ارائه مطلب نماید.

قطع یقین یکی از مهم‌ترین اختلافات و

دعاوی جاری در بخش معدن، واگذاری

سهم و یا قسمتی از معدن و در مواردی

پروانه بهره‌برداری معدن توسط دارنده

پروانه به سایر اشخاص حقیقی و

حقوقی است که حجم زیادی از

پرونده‌های معدنی مطرح محاکم و یا ارجاع

شده به داوری را به خود اختصاص داده

است. محاکم دادگستری و داوران منتخب

در صدور آرای خود در این مورد

استدلال‌های مختلفی را مبنای صدور

رأی قرار داده و آرای متفاوتی نیز در این

زمینه صادر نموده‌اند که مطالعه این قبیل

آرا، عدم وجود وحدت رویه مراجع مذکور

در صدور این قبیل آرا را نشان می‌دهد.

هرچند در سال ۱۳۹۲ رأی وحدت رویه

شماره ۴۹۹ مورخ ۰۶/۰۸/۱۳۹۲ از سوی

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری صادر

گردیده است و مراجع رسیدگی‌کننده نیز

اغلب استنباط موضوع رأی فوق را در موارد

اختلاف، مبنای صدور رأی خود قرار

می‌دهند اما در مواردی سایر مراجع

رسیدگی‌کننده و دادگاه‌های عمومی

حقوقی رأی هیئت عمومی دیوان عدالت

اداری را برای سایر مراجع الزام‌آور ندانسته

و تفسیر دیگری از قانون معدن و آیین‌نامه

آن را در صدور رأی مبنا قرار می‌دهند.

رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

تأکید می‌دارد:

باتوجه به این که در تبصره ۳ ماده ۱۰

قانون معدن مصوب سال ۱۳۷۷ که آیین

نامه اجرایی معترض به در زمان حاکمیت

آن تصویب شده است و نیز در ماده ۹ قانون اصلاح قانون معادن مصوب سال ۱۳۹۰ بر قابل معامله بودن پروانه بهره‌برداری از ذخایر معدنی حکم شده است و قابل معامله بودن پروانه بهره‌برداری منصرف از تقسیم پروانه به قسمت‌های کوچک‌تر و واگذاری آن است، بنابراین در اجرای قوانین فوق‌الذکر بهره‌بردار معدن صرفاً امکان معامله پروانه بهره‌برداری به صورت کلی را دارد و نه واگذاری جزء به جزء آن، از این حیث ماده ۴۴ آیین‌نامه اجرایی قانون معادن که پروانه بهره‌برداری معدن و محدوده آن را قابل تقسیم به اجزاء ندانسته و برای بهره‌بردار، حق معامله یا واگذاری به غیر در قالب قسمت‌های کوچک‌تر قائل نشده است، در توضیح بیشتر مطلب به منظور وصول به یک نظر صحیح و منطبق با روح قانون معادن مصوب ۲۷/۰۲/۱۳۷۷ و اصلاحات و الحاقات ۲۲/۰۸/۱۳۹۰ و اصلاحات موردی قانون و آیین‌نامه اجرایی آن در این مورد ابتدا ماده ۱۰ قانون مدنی را مورد توجه قرار می‌دهیم.

بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشند، نافذ است. شروط موضوع ماده ۱۰ قانون مدنی از جهات گوناگون قابل بررسی است اما بیان اصل آزادی قراردادی، اصل نفوذ و صحت قراردادهای خصوصی و لزوم پایبندی به این قراردادها و شرط مخالف قانون نبودن تعهدات قراردادی طرفین با قوانین از مهم‌ترین نکات ماده ۱۰ قانون مدنی محسوب می‌شود.

ماده ۱۰ قانون مدنی، اصل نفوذ و صحت قراردادهای خصوصی که بین افراد منعقد می‌شود را مورد پذیرش قرار داده است. به

منظور اینکه این اصل مهم در مورد یک قرارداد رعایت شود، لازم است که قرارداد مطابق ماده ۱۹۰ قانون مدنی، دارای چهار شرط یا رکن صحت باشد.

شرایط صحت هر معامله عبارت است از:

۱- قصد طرفین قرارداد و رضایت آن‌ها؛ بنابراین طرفین قرارداد باید قرارداد را در شرایطی منعقد کرده که این انعقاد قرارداد به دلیل اجبار یا اکراه نبوده و در حالت مستی و خواب نیز نباشد.

۲- اهلیت طرفین؛ یعنی طرفین قرارداد و عقد باید بالغ، عاقل و رشید بوده و صغیر، مجنون و سفیه نباشند.

۳- معین بودن و معلوم بودن موضوع قرارداد یا عقد، لذا موضوع قرارداد نباید برای طرفین آن مجهول باشد.

۴- مشروعیت جهت معامله؛ به این معنی که هدف طرفین از انعقاد قرارداد باید مشروع و قانونی باشد.

۵- به‌طور کلی شروط طرفین و قرارداد میان آن‌ها نباید برخلاف قوانین آمره و به عبارتی احکام امری کشور باشد. منظور از این قوانین امری، قوانینی است که افراد نمی‌توانند برخلاف آن‌ها تراضی نمایند.

مثلاً دو طرف قرارداد نمی‌توانند برخلاف قانون توافق کنند که حتی اگر یک طرف قرارداد دیوانه یا به عبارتی مجنون و یا صغیر بود، باز هم قرارداد میان آنها بدون قید و شرط صحیح باشد، چون به موجب قوانین الزام‌آور در کشور ایران، قراردادی که یک شخص مجنون و یا صغیر منعقد می‌کند در مورد مجنون مطلقاً باطل و در مورد صغیر در مواردی باطل و در موردی غیر نافذ است.

قرارداد طرفین نباید برخلاف نظم عمومی یک کشور باشد. منظور از نظم عمومی، قواعدی است که اجرای آنها باعث حفظ نظم و امنیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در هر کشور است.

لذا در قراردادهای معدنی همانند سایر

قراردادها توافق طرفین نمی‌تواند بر

خلاف قوانین بخش معدن و آیین‌نامه

قانون معادن و نظم عمومی باشد و

حتی بر فرض هرگونه تأیید و تنفیذ

طرفین قرارداد و یا اشخاص و یا

دستگاه‌های ثالث بر خلاف قواعد قانونی

چنین قراردادهایی از قابلیت اجرا

برخوردار نمی‌باشد زیرا:

اولاً مطابق ماده ۵۹ آیین‌نامه قانون معادن مصوب ۱۱/۰۴/۱۳۹۲ دارندگان پروانه‌های اکتشاف و بهره‌برداری اجازه ندارند محدود عملیات معدنی خود را به اجزای متعدد تقسیم و در قالب قسمت‌های کوچک‌تر معامله و یا به‌غیر واگذار کنند.

ثانیاً حتی در صورتی که طرفین تصمیم به انتقال هر یک از معادن و تبع آن پروانه بهره‌بردار معدن را داشته باشند در این صورت اقدام به انتقال طبق قانون صرفاً در قالب عقد صلح و مشروط به رعایت قواعد و تشریفات مندرج در قانون معادن و آیین‌نامه مربوط به آن است تا این انتقال مشروع و قانونی مفروض شود؛ لذا هرگونه اقدام اشخاص در توافق برخلاف قانون و مقررات بخش معدن فاقد اثر قانونی است.



مصطفی مرادزاده

واکاوی حقوقی معدن‌کاری در اراضی موقوفه

۴- اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها و ... در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک از را قانون معین می‌کند.»

۵- ماده ۲ قانون معادن اصلاحی ۱۳۹۰: «در راستای اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و نیز اصل ۴۵ قانون اساسی، مسئولیت اعمال حاکمیت دولت بر معادن کشور و حفظ ذخایر معدنی و نیز صدور اجازه انجام فعالیت‌های معدنی مقرر در این قانون و نظارت بر امور مزبور و فراهم‌آوردن موجبات توسعه فعالیت‌های معدنی، دستیابی به ارزش‌افزوده مواد خام معدنی، توسعه صادرات مواد معدنی با ارزش افزوده، ایجاد اشتغال در این بخش و نیز افزایش سهم بخش معدن در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور بر عهده وزارت صنعت، معدن و تجارت است. اعمال

ضمن اینکه در برخی موارد نیز به جهت موقوفه بودن اراضی، موقوف علیهم و یا سازمان اوقاف از عملیات قانونی معدن‌کاری در آن عرصه‌ها ممانعت به عمل آورده و یا برای معدن‌کاران مزاحمت به عمل آمده است.

به جهت روشن شدن وضعیت معادن واقع شده در اراضی موقوفه ذیلاً به برخی گزاره‌های قانونی و مقرراتی که دارای مبانی فقهی نیز است، اشاره می‌شود که عاقبت در حصول نتیجه و ارائه پیشنهاد اصلاح موارد مبتلا به کمک می‌نماید:

۱- به استناد ماده ۵۵ قانون مدنی «وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود.»

(تسبیل: به‌رایگان دادن چیزی در راه خدا) ۲- به استناد ماده ۵۷ قانون مدنی «واقف باید مالک مالی باشد که وقف می‌کند.»

۳- به استناد ماده ۵۸ قانون مدنی «وقف هایی جایز است که با بقای عین بتوان از آن منتفع شد.»

از جمله مسائل حقوقی مبتلا به برخی

فعلان اقتصادی کشور در حوزه معدن

کاری، واقع‌شدن ذخایر معدنی در

عرصه‌های موقوفه است. در موارد عدیده

معدن‌کارانی که تمامی تشریفات قانونی جهت ثبت محدوده‌های دارای ذخیره، اخذ پروانه اکتشاف، گواهی کشف و پروانه بهره‌برداری را وفق مقررات به انجام رسانیده‌اند، پس از پیگیری‌های سازمان اوقاف و امور خیریه و یا موقوف علیهم، تحت تعقیب قضایی قرار گرفته و سرانجام آرای سنگینی مبنی بر دخالت یا تصرف در اراضی موقوفه بر علیه ایشان صادر شده

است و یا در مواردی به‌رغم تکالیف

قانونی موجود برخی موقوف علیهم و

یا بهره‌برداران که معادن مربوطه

ایشان در اراضی موقوفه واقع شده

است از پرداخت حقوق دولتی معادن

است، استنکاف می‌نمایند.



حاکمیت مذکور در این ماده، مانع اعمال مالکیت اشخاص حقیقی و حقوقی در محدوده قوانین و مقررات نیست.»

۶- به استناد ماده ۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳: «هر موقوفه دارای شخصیت حقوقی است و متولی یا سازمان حسب مورد، نماینده آن است.»

۷- نظریه مورخ ۲۸/۰۳/۱۳۶۶ شورای نگهبان: «به نظر فقهای شورای نگهبان، شن، ماسه و خاک رس تابع وضع زمینی است که از آن برداشته می‌شوند. از این رو اگر در زمینی، موقوفه یا ملکی باشد؛ متعلق به وقف یا مالک است و جزء انفال نیست و هرگونه تصرف بدون اذن متولی شرعی موقوفه و یا مالک و اخذ وجوه از آنها در این رابطه مشروع نیست و تأیید تبصره ۶۶ (قانون بودجه سال ۱۳۶۳) بر اساس انصراف آن از شن، ماسه و خاک رس زمین های موقوفه و ملکی است.»

۸- ماده ۲۲ قانون معادن مصوب ۱۳۷۷ «چنانچه اجرای عملیات معدنی در محدوده املاک دایر یا مسبوق به احیای اشخاص واقع و نیاز به تصرف این املاک باشد، مجری عملیات پس از تأیید وزیر صنعت، معدن و تجارت مکلف است اجاره یا بهای آن را بدون ذخایر معدنی واقع در آن، برابر نظر کارشناس رسمی دادگستری به قیمت روز به صاحب ملک بپردازد.»

۹- ماده ۹ قانون معادن اصلاحی ۱۳۹۰ «بهره‌برداری از ذخایر معدنی، به جز موارد مربوط به وزارتخانه‌های نفت، نیرو و سازمان انرژی اتمی ایران مستلزم اخذ پروانه بهره‌برداری از وزارت صنعت، معدن و تجارت است.»

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، متون قانونی بیان شده در بالا، همگی حاوی احکامی در خصوص ماهیت حقوقی فعالیت های معدن کاری کشور است که حتی بدون ارائه هرگونه تحلیل حقوقی می‌توان حدود

و ثغور قانونی وضعیت وقف و تحلیل آن در موقعیت اختلاط با معادن را دریافت. لکن به جهت اهمیت موضوع اهم نکات قابل ذکر ذیلاً بیان می‌گردد:

الف) در موضوع وقف لازم است که: اولاً: واقف، مالک مال موقوفه باشد و بعد از آن مبادرت به تسبیل یا بخشش آن در راه خدا نماید.

ثانیاً: وقف مالی ممکن است که بتوان با بقای عین از آن منتفع شد.

ثالثاً: در وقف، عین مال حبس می‌شود.

ب) به استناد اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همان‌طور که پیش‌تر آمد، معادن از جمله مصادیق انفال محسوب می‌شوند که در اختیار حاکمیت اسلامی بوده و نحوه استفاده از آنها طبق قوانین تعیین خواهد شد؛ به همین استناد و مستفاد از ماده ۲ قانون معادن، نحوه استفاده از معادن، وفق قانون معادن اصلاحی ۱۳۹۰ و بر اساس مجوزهای

نمی‌توان این موارد را تابع ملک و یا موقوفه تلقی نمود.

ه) باتوجه به تفکیک ماهیت «مالکیت عرصه معدن» از «ماده معدنی واقع در عرصه» و اتخاذ وحدت ملاک از ماده ۲۲ قانون معادن به نظر می‌رسد معدن کاران مستقر در عرصه‌های موقوفه مکلف هستند ضمن رعایت قوانین و مقررات موضوعه و اخذ مجوز از وزارت صنعت، معدن و تجارت جهت انجام فعالیت‌های معدنی، در صورتی که خود ایشان جزء موقوف علیهم نباشند، می‌بایست صرفاً اجاره‌بهای عرصه موصوف را وفق احکام ماده قانونی یاد شده به موقوف علیهم بپردازند و موقوف علیهم مربوطه نیز حق ایجاد مزاحمت برای معدن کار را به استناد موارد پیش گفته و ضمانت اجراهای پیش‌بینی شده در ماده ۱۹ قانون معادن نخواهند داشت. ضمن اینکه حقوق دولتی این معادن در صورتی که موقوفه باشد، توسط مطلق بهره‌برداران وفق ماده ۱۴ قانون معادن محاسبه و به دولت پرداخت شود.

د) در خصوص ماده معدنی شن، ماسه و خاک رس نیز به نظر می‌رسد نظریه سال ۱۳۶۶ شورای نگهبان که ناظر به تبصره ۶۶ قانون بودجه سال ۱۳۶۳ بوده است، به جهت تغییر مبانی قانونی ناظر به معادن شن و ماسه در اصلاحات سال ۱۳۹۰ قانون معادن و احصای این مواد معدنی در ذیل مسئولیت‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت (موضوع بند «الف» ماده ۳ قانون معادن اصلاحی ۱۳۹۰) نظریه شورای نگهبان به حکم قانون و به صورت ضمنی نسخ شده است که البته این موضوع باتوجه به نظریه فقهی حضرت امام خمینی «ره» دایر بر: «بسمه تعالی - اینها (شن و ماسه و خاک رس) انفال نیستند و موقوفه هستند.» جای بررسی دقیق‌تر داشته و حتی می‌توان باتوجه به شرایط روز و اصلاحات قانونی از مقام معظم رهبری «مدظله» مجدداً استفتا نمود. لکن نکته حائز اهمیت اینکه باتوجه به مفهوم نظریه فقهی حضرت امام و فقهای شورای نگهبان، این مطلب استخراج می‌شود که به‌غیر از شن، ماسه و خاک رس، بقیه مواد معدنی نیز انفال محسوب شده و به همین جهت

قانونی صادره توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت تعیین شده است.

ج) از آنجایی که ضرورت و مقدمه ابتدایی وقف هر مال، امکان در مالکیت اشخاص در آمدن آن مال است، لذا معادن که طبق اصل ۴۵ قانون اساسی جزو انفال احصا شده و در مالکیت و اختیار حاکمیت اسلامی است، اساساً استعداد وقف شدن را به واسطه عدم امکان در مالیت درآمدن اشخاص را نخواهد داشت.

بعلاوه اینکه ماهیت استخراج معادن نیز به جهت تبدیل و حتی از بین رفتن مواد معدنی با بقای عینی که یکی از شروط اساسی مال موقوفه است در تضاد کامل قرار دارد؛ به‌عنوان مثال مواد معدنی زغال سنگ، قیر طبیعی، سنگ آهن، آهک، نمک طعام و... از جمله مواد معدنی هستند که پس از استخراج یا به‌طور کلی از بین می‌روند و یا تغییر خواص فیزیکی و شیمیایی آنها اساساً ماده خام معدنی را تبدیل به موادی با ماهیت غیر می‌نماید؛ بنابراین، به‌طور کلی مواد معدنی به دلایل پیش گفته، قابلیت به وقف درآمدن را نخواهند داشت.





دکتر علی خادم آستانه

مدیر کل دفتر استعدادیابی و بهره برداری منابع طبیعی

بررسی برخی از بندهای قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت‌های

معادن از دیدگاه بخش‌های مؤثر مرتبط با منابع طبیعی و

محیط‌زیست و تحلیل وضعیت اجرایی آن‌ها

در آینده‌ای نزدیک تمامی عرصه‌های منابع طبیعی کشور در اختیار بخش معدن و تحت فعالیت‌های معدنی قرار خواهد گرفت و به تبع آن دولت نیز برای انجام فعالیت‌های عمومی و عمرانی خود باید با هزینه‌ای گزاف این عرصه‌ها را از افراد بهره‌بردار خریداری و یا با اجازه این افراد آن‌هم با دادن خسارت به آنها، طرح‌های خود را اجرایی نماید. هرچند در تبصره ۲ ماده ۲۳ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون معادن نیز تلاش شد تا این موضوع به شکلی تعدیل گردد؛ لیکن باتوجه به صراحت قانون و ابهام موجود در آیین‌نامه، اشکال اساسی آن رفع نگردیده است و قطعاً این مشکل، خود زمینه‌ساز مدیریت‌های چندگانه بر اراضی کشور و ایجاد تبعات خاص آن نیز است. با این روند این عرصه‌ها از لحظه صدور پروانه

مواد باطله واقع در منابع ملی بنا به تقاضای وزارت صنعت، معدن و تجارت توسط سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور ثبت می‌گردد. مساحت این محدوده‌ها که در مجوز صادره قید می‌شود به عرصه عملیاتی معدن مربوط است و تا پایان عمر، معدن به صورت اموال عمومی در اختیار وزارت صنعت، معدن و تجارت قرار دارد. هرگونه عملیات خارج از موارد مندرج در مجوزهایی که صادر می‌شود به منزله تصرف در اموال عمومی محسوب می‌گردد.» که بر اساس آن کل محدوده‌های اکتشافی که مناطق وسیعی از عرصه‌های منابع طبیعی کشور را تشکیل می‌دهد تا پایان عمر معدن در اختیار وزارت صنعت، معدن و تجارت قرار خواهد گرفت و از محدوده مدیریت منابع طبیعی کشور خارج می‌گردد که قطعاً با این روند

بررسی پاره‌ای مشکلات و معضلات موجود مرتبط با قوانین معدن: عمده مشکلات و معضلات بخش منابع طبیعی کشور در ارتباط با معادن، مشکلات قانونی و ناشی از تصویب قانون، اصلاح قانون معادن و آیین‌نامه اجرائی آن است که به صورت یک‌طرفه و بدون در نظر گرفتن ارزش‌های محیط زیستی و منابع طبیعی کشور تصویب و به مرحله اجرا درآمده که اهم آن به شرح ذیل است:

۱- خارج شدن مدیریت منابع طبیعی از عرصه‌های مورد تقاضا برای اکتشاف: با عنایت به‌اضافه شدن کلمه اکتشاف به ماده ۱۸ قانون اصلاح قانون معادن مصوب ۱۳۹۰ (ناظر بر ماده ۲۶ قانون معادن مصوب ۱۳۷۷) «محدوده‌های مربوط به اکتشاف، استخراج و انباشت، بهره‌برداری مواد معدنی و دفع

قوانین و مقررات حاکم بر کشور پاسخ استعلام‌های مربوطه را ارائه نمایند. اما متأسفانه ماده ۲۴ مکرر، فرصت نادیده گرفتن دستگاه‌های حاکمیتی و تخصصی دیگر را فراهم ساخته است، به‌عنوان نمونه می‌توان به تصمیمات این هیئت برای انجام برخی عملیات معدنی در جنگل‌ها و مناطق ممنوعیت دار حساس به سیل خیزی و یا پوشش‌های دارای گونه‌های گیاهی ممنوع از قطع در زیست‌بوم‌های مختلف کشور اشاره داشت.

تبصره ۵ ماده ۲۴ (الحاقی ۱۴/۸/۱۳۹۲): در صورتی که سازمان صنعت، معدن و تجارت استان به پاسخ‌های استعلام از دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط اعتراض داشته باشد، موضوع به هیئت حل اختلاف موضوع ماده (۲۴ مکرر) ارجاع می‌شود تا حداکثر ظرف پانزده روز در مورد آن تعیین تکلیف گردد. جلسات این هیئت حداقل با حضور پنج نفر رسمیت می‌یابد و رأی آن با اکثریت مطلق عده حاضر قطعی و ناگزیر است. این امر مانع اعتراض در دیوان عدالت اداری نیست.

قانون معدن و به دنبال آن تصویب ماده ۲۴ مکرر برای همان قانون و الحاق و ابلاغ آن در مورخ ۱۴/۸/۱۳۹۲ در اصل با سلب اختیار تصمیم‌گیری، بخش تخصصی و فنی منابع طبیعی، مشکلات متعددی برای ادارات کل منابع طبیعی استان‌ها ایجاد گردیده است؛ به‌گونه‌ای که با وجود این قانون چنانچه همکاران منابع طبیعی با دلایل فنی و قانونی در پاسخ به استعلام با فعالیت معدنی مخالفت نمایند مجدداً در هیئتی به ریاست استاندار یا معاون وی و اعضای دیگر که عمدتاً از بخش معدنی کشور هستند مطرح و در صورت تأیید با فعالیت معدنی موافقت و باب تخریب منابع طبیعی کشور به شکلی دیگر آغاز می‌گردد. هرچند که قانون معدن قانونی خاص است و بر اساس اصول و قواعد مسلم حقوقی، باید با رعایت الزامات نظام‌های حقوقی موضوعه حاکم بر سایر بخش‌ها تدوین گردیده باشد و نمی‌تواند قوانین مورد عمل دستگاه‌های حاکمیتی مندرج در ماده ۲۴ قانون معدن را نادیده بگیرد؛ طبیعتاً این دستگاه‌ها نیز مکلفند با رعایت سایر

اکتشاف، برای متقاضی از اختیار ساماندهی و مدیریتی منابع طبیعی خارج و از نظر ساماندهی منابع طبیعی، رها و بخش اعظمی از این عرصه‌ها با تشدید مشکلاتی از قبیل سیلاب‌های مخرب، گردوغبار، زمین‌لغزش، فرسایش، رانش و سایر بلایای طبیعی مواجه و سلامت و جان بسیاری از هم‌وطنان را در معرض خطر قرار خواهد داد.

با این اوصاف نگرانی بخش حیاتی و مهم منابع طبیعی و آبخیزداری کشور تنها با انتخاب و اعلام عرصه‌های بسیار کوچکی از منابع طبیعی در پاسخ به استعلامات موضوع ماده ۲۴ همین قانون مرتفع می‌گردد که این موضوع خود مورد اعتراض بسیاری از فعالین معدنی گردیده و دستگاه مستعمل را به عدم همکاری و توقف فعالیت‌های معدنی بالاخص عملیات اکتشافی متهم می‌نمایند.

۲- عدم رعایت ملاحظات مرتبط با منابع طبیعی از سوی کمیته تصمیم‌گیر درباره فعالیت‌های معدنی؛
باتوجه به تبصره ۵ ماده ۲۴ قانون اصلاح



ماده ۲۴ مکرر (الحاقی ۱۳۹۲/۸/۱۴):

اعضای هیئت حل اختلاف عبارت‌اند از:

۱- استاندار یا معاون ذی‌ربط به‌عنوان رئیس هیئت

۲- رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان به‌عنوان دبیر هیئت

۳- یک نفر کارشناس خبره معدن با معرفی سازمان نظام‌مهندسی معدن استان

۴- رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان

۵- نماینده دستگاه مورد اعتراض ذی‌ربط

۶- یک نفر از بهره‌برداران باتجربه و متخصص در امور معدنی با انتخاب خانه

معدن استان و در صورت عدم وجود خانه معدن در استان، با انتخاب خانه معدن کشور

۷- یک نفر حقوق‌دان آشنا به مسائل معدنی با انتخاب و معرفی رئیس دادگستری استان

قاعدتاً نتایج رأی‌گیری در چنین کارگروهی قابل‌بیش‌بینی است و قطعاً بر خلاف نظر دستگاه‌های محیط زیستی و منابع طبیعی خواهد بود.

باتوجه‌به اینکه تحقق توسعه پایدار در بخش معدن بر اساس سه مؤلفه توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و

زیست‌محیطی است به نظر می‌رسد وزن و تعداد اعضای حاضر در این کارگروه نیز باید متناسب با این سه مؤلفه تعیین شود.

بر خلاف کارگروه ماده ۲ حوزه

محیط‌زیست و یا کمیته‌های نظارت و

تعامل منابع طبیعی که دارای پشتوانه

کارشناسی، فنی و تخصصی است

کارگروه استانی موضوع ماده ۲۴ مکرر

بدون در اختیار داشتن بدنه

کارشناسی، تصمیم‌سازی می‌کند.

متأسفانه در سال‌های اخیر بدون در نظر گرفتن مسائل اقتصادی و ارزش مواد معدنی اقدام به صدور مجوز در عرصه‌های منابع طبیعی و یا محیط‌زیست گردیده است که عمده آنها به لحاظ محل برداشت و محل استقرار تجهیزات و یا ایجاد مسیرهای دسترسی تخریب‌های شدیدی را بر زیست‌بوم‌های ضعیف مناطق تحت تأثیر تحمیل نموده است و برای آنها پروانه‌های اکتشاف و بهره‌برداری صادر شده است که کاملاً در تضاد با محورهای توسعه پایدار و مصالح ملی کشور است. اساساً صدور پروانه برای فعالیت‌های متعدد مستقر در مناطق چهارگانه نمی‌بایست

صورت گیرد؛ مگر اینکه شرایط خاصی برای آن لحاظ شود و توجیهاتی مانند موارد ذیل را داشته باشد:

ماده معدنی مدنظر دارای اهمیت راهبردی برای کشور باشد و به دلیل توزیع یکنواخت یا کمیاب بودن ذخایر غنی آن واقع در مناطق چهارگانه باشد و یا فعالیت معدنی مدنظر ارزش‌افزوده زیادی ایجاد کند که

البته این موضوعات در برخی مناطق

دارای محدودیت قانونی و فنی به لحاظ

منابع طبیعی نیز مصداق خواهد داشت.

در موارد فوق علاوه بر آنکه اجرای طرح‌های معدنی می‌بایست از نظر اقتصادی کاملاً قابل‌توجیه باشد، لازم است هزینه‌های موردنیاز برای ایجاد تمهیدات زیست‌محیطی و یا ترمیم آثار تخریبی آتی بر منابع طبیعی و محیط‌زیست منظور شود.

بنابراین بر اساس هیچ معیار علمی منطبق بر منافع ملی صدور پروانه اکتشاف و بهره‌برداری برای یک معدن در کارگروه‌های استانی موضوع ماده ۲۴ مکرر قابل‌توجیه نیستند و ضروری است دستگاه‌های ذی‌ربط به‌خصوص سازمان



دارد؛ به گونه‌ای که فعالان معدنی صرفاً مناطق تخریب شده فیزیکی و تغییر وضعیت یافته را ملاک عمل قرار می‌دهند، در صورتی که دامنه اثر این گونه فعالیت‌ها به شکلی است که در اثر گردوغبارها و سایر عوامل تا شعاع بسیار گسترده‌ای پوشش گیاهی و نباتات موجود را تضعیف و مورد حمله آفات و بیماری‌های گیاهی قرار می‌دهد و به دنبال آن ضمن کاهش ظرفیت تولید علوفه در مراتع و از بین بردن گیاهان دارویی و صنعتی خساراتی را نیز وارد می‌نماید، این در حالی است که در محاسبه حقوق بهره‌برداران منابع طبیعی، صرفاً مناطقی که تغییر وضعیت یافته است ملاک محاسبه قرار می‌گیرد و باین وجود خسارات واقعی وارد شده به منابع طبیعی و حقوق بهره‌برداران این عرصه‌ها جبران نمی‌گردد. (مصوبه شماره ۸۵۷۶۶/ت ۴۴۴۵۰ هـ هیئت وزیران تحت عنوان تبصره ۴ الحاقی به ماده ۹ آیین‌نامه اجرائی قانون اصلاح تبصره ۱ ماده ۴۷ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت)

ثبت و جهت صدور پروانه اکتشاف از ادارات کل منابع طبیعی استعلام می‌گردید و

متأسفانه سازمان‌های صمت استان‌ها

بدون توجه به مساحت مندرج در

پاسخ ادارات کل، برای کل سطح

محدوده استعلام شده پروانه اکتشاف

صادر می‌نمودند که این موضوع تبعات

حقوقی و آثار تخریبی متعددی

به دنبال داشته که متعاقباً علی‌رغم

توافق‌های دستورالعمل‌های خاص هنوز مشکلات مربوط به موارد گذشته و گاهی جدید، گریبان‌گیر منابع طبیعی کشور است و با صرف وقت و انرژی زیادی می‌بایست به لحاظ حقوق مکتسبه ایجاد شده برای متقاضیان معضلات ناشی از آن مرتفع گردد.

۴- مشکلات ناشی از نحوه محاسبه حقوق بهره‌برداران:

شدت و پایداری تخریب عرصه‌های منابع طبیعی و زیست‌بوم‌های کشور در اثر فعالیت‌های معدنی، گستردگی خاصی

جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور و سازمان حفاظت محیط‌زیست و نیز وزارت صنعت، معدن و تجارت در اسرع وقت نسبت به مشخص کردن شاخص‌های توسعه پایدار برای توسعه پایدار بخش معدن اقدام و نسبت به اصلاح قوانین و مقررات متناقض اقدام و پیشنهادهای لازم را ارائه نماید.

۳- صدور پروانه اکتشاف برای کل سطح مورد تقاضا:

علی‌رغم ضرورت علمی و تأکید قانون‌گذار بر بسترسازی فعالیت معدنی و مدیریت فعالیت معدنی توسط وزارت مربوطه، تا چندی پیش در این خصوص نظام خاصی تعریف نشده بود و تقاضای فعالیت‌های اکتشاف معدن به دلیل وجود درآمدهای ناشی از انتقال پروانه‌های اکتشاف توسط هر شخص حقیقی و حقوقی فاقد صلاحیت برای هر قسمتی از سرزمین ایران (که قبلاً توسط اشخاص دیگری مورد تقاضا برای فعالیت معدنی قرار نگرفته بود) توسط سازمان صنعت، معدن و تجارت استان‌ها



۵- استعلام‌های مکرر برای صدور پروانه اکتشاف در یک محدوده معین:

همان گونه که در ماده ۲۴ قانون اصلاح قانون معادن عنوان شده است سازمان‌های صنعت، معدن و تجارت استان‌ها برای صدور پروانه اکتشاف مکلف‌اند فقط یکبار از دستگاه‌های اجرائی استعلام نمایند که عملاً این سازمان‌ها بر خلاف قانون مذکور در برخی محدوده‌ها بارها از منابع طبیعی استان‌ها استعلام نموده که گاهی نیز بنام اشخاص مختلف است؛ این موضوع

ضمن اینکه سردرگمی و اختلال در

فرایند بررسی استعلامات را دنبال

خواهد داشت، گاهی موجب از بین

رفتن حقوق برخی از متقاضیان و

ایجاد اشتباه در ارائه پاسخ‌ها و تشکیل

پرونده در محاکم و دستگاه‌های

قضائی نیز می‌گردد.

۶- عدم تناسب بین حقوق دولتی

اختصاص‌یافته برای بازسازی و احیای

عرصه‌های متأثر از فعالیت‌های معدنی در

مقایسه با میزان تخریب‌های حاصله و نیز عدم اختصاص آن به بخش متولی:

ناچیز بودن حقوق دولتی تعیین شده در ماده ۲۵ قانون معادن (ماده ۱۷ اصلاحی) جهت جبران خسارات باتوجه‌به گستردگی و پایداری خسارات وارده ی ذکر شده در بند ۴ و نیز اشکال اساسی در چگونگی تعریف بازسازی و احیاء عرصه‌های تخریب یافته و ایفای مسئولیت آن بر عهده یک سازمان دولتی و نیز معضل فرایند جذب اعتبارات مرتبط با این موضوع توسط سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور به‌عنوان بخشی از زیرمجموعه وزارتخانه جهاد کشاورزی از جمله معضلات این بخش از قانون است که می‌بایست با ارائه راهکار منطقی مبتنی بر محور بودن فعالان معدنی در چرخه بازسازی و احیاء مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد.

۷- صدور مجوز برداشت محدود بدون استعلام:

وجود ماده ۱۳ قانون اصلاح قانون معادن و بند "ق" مندرج در تعاریف همین قانون و صدور اجازه برای فعالیت‌های معدنی

در قالب مجوز برداشت محدود برای پروژه‌های عمومی و عمرانی و یا برخی نیازهای آزمایشگاهی با تشخیص وزارت متولی موضوع معادن و بدون هرگونه استعلام از منابع طبیعی و محیط‌زیست کشور معضل دیگری است که می‌تواند زمینه را برای هرگونه سوءاستفاده از فرایند ناقص صدور مجوز فراهم نماید و می‌بایست مورد اصلاح قرار گیرد. با عنایت به موارد اشاره شده فوق و نیز باتوجه‌به روند روبه‌رشد جمعیت و افزایش نیازها به مواد معدنی لازم است با استفاده از تجارت بین‌المللی و با تحلیل‌های منطقی و اصولی خارج از تعصبات صنفی و نیز درج ضوابط و مقررات منطبق با اصول توسعه پایدار اقدام اساسی و تحولی در فرایند صدور مجوزهای انجام فعالیت‌های معدنی در کشور انجام شود، تا به امید خدا شاهد پویایی و رشد اقدامات مرتبط با فعالیت‌های معدنی اعم از اکتشاف، استخراج و یا فرآوری مواد همگام با کاهش فشار بر زیست‌بوم‌های طبیعی کشور و نیز بازسازی و احیای اراضی متأثر در کوتاه‌ترین زمان ممکن باشیم.



مهندس فرشید طیبی

رئیس سازمان نظام مهندسی معدن تهران

نظام مهندسی موتور پیشران معدن کشور

آن به دید یک بازو و پشتوانه فنی و

اجرایی می‌نگرند و نه بخش خصوصی

به‌عنوان استفاده‌کنندگان از خدمات

فنی - مهندسی، این سازمان را

به‌عنوان یک نهاد همیار و کمک دهنده

می‌دانند؛ بلکه آن را به‌عنوان یکی از

هفت‌خان مسائل حوزه معدن تلقی

می‌کنند، این است که برنامه و نقشه راه

کاربردی قابل اجرا و همچنین تعهد و

پایداری در آن مسیر وجود ندارد و این

سازمان در هر مقطعی بر اساس توانمندی

و وسعت دید مدیران حرکت کرده است.

همان‌طور که همگان آگاه هستند در

دو دهه اخیر و به دلیل مواجهه کشور با

شرایط خاص اقتصادی و تحریم‌های

موجود، تمامی بخش‌های مرتبط با اقتصاد

کلان کشور از جمله تولید، توزیع و مصرف

درگیر این معضلات بوده‌اند؛ اما با دقت نظر

در این موضوع می‌توان به این مهم

دست‌یافت که نبودن برنامه بلندمدت

ذاتی تعیین شده، نیازمند همت و همیاری

کلیه افراد فعال و صاحب‌نظران بخش

معدن از جمله دسته اول اعضا و ارکان

سازمان، هیئت‌مدیره استان‌ها و شورای

مرکزی سازمان، دسته دوم دولتمردان و

دسته سوم بخش خصوصی به‌عنوان

دریافت‌کنندگان خدمات فنی و مهندسی

به‌عنوان سه، رأس اساسی فعالان این حوزه

است. به‌واقع هرگونه تصمیم‌سازی،

تصمیم‌گیری، ایجاد نقشه راه و سند

استراتژی برای این بازوی فنی بخش معدن

کشور، اگر خارج و یا بدون در نظر گرفتن

هریک از سه، رأس این مثلث انجام شود،

هیچ‌گونه فرصتی برای موفقیت آن تصور

نمی‌شود.

علت این امر که امروزه سازمان

نظام مهندسی معدن از یک سازمان

پویا تبدیل به یک سازمان منفعل

گردیده است که نه اعضا از خدمات آن

رضایت مکفی دارند، نه دولتمردان به

در حال حاضر باگذشت ۱۹ سال از تأسیس

سازمان نظام مهندسی معدن و دارابودن

نزدیک به ۵۰,۰۰۰ عضو در سراسر کشور،

به عمل ارزشمند متفکران و بنیان‌گذاران

نظام مهندسی معدن، جهت پایه‌گذاری آن

پی می‌بریم؛ زیرا در برهه زمانی کنونی

عملاً نیاز به تأسیس چنین سازمانی

غیرقابل اثبات و انجام چنین فعلی ممکن

نیست. پرواضح است که برای رسیدن به

وضعیت کنونی سازمان، افراد متخصص

بسیاری کوشش نموده‌اند، مواردی از

جمله، تأسیس سازمان، ایجاد ساختارها،

تدوین دستورالعمل‌های فنی و ساختاری،

آشناسازی جامعه معدن با مفاهیم

نظام مهندسی، تعریف عناوین مختلف

شغلی، ارزشیابی عملکرد، آموزش‌های

تخصصی در این حوزه و سایر فعالیت‌های

صورت‌گرفته از موارد تأثیرگذار و

انکارناپذیر به شمار می‌رود.

پاسداری و هدایت صحیح سازمان

فناهم مهندسی معدن در مسیر اصلی

اجرای و کاربردی در حوزه معدن کشور، همچنین نظام مهندسی معدن به عنوان یک جامعه آماری کوچک تر، مشکل اساسی این حوزه است.

چالش ها در حوزه معدن کشور آن چنان بزرگ و حل نشدنی شده است که بیم آن می رود در سنوات آینده، کشور نیازمند واردات، جهت تأمین مواد اولیه صنایع کشور و به یک واردکننده مواد معدنی تبدیل شود؛ در صورتی که ایران تاکنون به عنوان یکی از کشورهای تأمین کننده مواد معدنی در دنیا محسوب می شود. با کنکاش در موارد موجود در میابیم بخش عمده ای از این دشواری ها تنها با هماهنگی و تعامل همه جانبه هر سه، رأس تأثیرگذار بخش معدن امکان مرتفع شدن دارد.

امروزه جهت توسعه معدن کاری نوین کلیه بخش های فعالیت های معدنی، از اکتشاف ماده معدنی و استخراج تا فرآوری مواد معدنی، نیازمند هوشمندسازی و دیجیتالی شدن هستند و استفاده از هوش مصنوعی (AI)، اینترنت اشیا (IOT)، سیستم های

مبتنی بر تحلیل کلان داده (Big Data)، پردازش ابری و تجزیه و تحلیل پیش بینی شده، سامانه های تصمیم یار هوشمند، رباتیک، واقعیت گسترده مجازی، بلاک چین، خودکارسازی و یادگیری ماشین (Machine Learning) در معدن کاری کشور جهت نزدیک شدن به فناوری های روز دنیا، یک ضرورت محسوب می شود. هوشمندسازی فعالیت های معدنی برای دولت منافعی از جمله شفاف سازی اطلاعات بخش معدن، افزایش دقت و صحت در محاسبه و وصول حقوق دولتی معدن، مدیریت بهینه یارانه ها در بخش معدن، ردیابی بهینه تر عملکرد بهره برداران، افزایش ارزش افزوده، واقعی شدن ترسیم چشم انداز و استراتژی بخش معدن و دستیابی به توسعه پایدار در این حوزه را در بر خواهد داشت و بهره برداران معدن نیز از مزایایی از جمله، کاهش هزینه های عملیاتی و افزایش بهره وری و کیفیت، کاهش قیمت تمام شده، ارتقای کارایی و ایمنی، امکان عملیات کنترل از

راه دور، مدیریت بهینه معدن و دارایی ها، پیش بینی تعمیر و نگهداری، بهبود برنامه ریزی و توسعه و بهبود لجستیک و انبارداری نفع خواهند برد.

همگام و همسو شدن با این رشد صنعتی و پیشرفت روزافزون جهانی اجتناب ناپذیر بوده و نقش سازمان نظام مهندسی معدن به عنوان یک بستر مناسب برای هوشمندسازی معادن بسیار حیاتی است، زیرا این سازمان به عنوان یک نهاد تخصصی قطعاً برای ارائه راهکارهای مدیریتی دارای فضا و زیرساخت مناسبی است، همچنین می توان از ظرفیت نظام مهندسی معدن در مسیر بازنگری قوانین جاری کشور در بحث الزامات هوشمندسازی و سیاست گذاری های مورد نیاز استفاده نمود؛ بعلاوه در موضوع فرهنگ سازی معدن کاری نوین، همگام سازی فعالان این حوزه با گام های بنیادی هوشمندسازی، اشاعه فرهنگ و ضرورت نیاز به هوشمندسازی معادن، این اقدامات به دست نظام مهندسی معدن میسر خواهد بود.



دارد و نیازمند این است که دیدگاه مدیران دولتی به نظام مهندسی معدن به یک پشتوانه فنی و اجرایی کارآمد تغییر یابد.

سخن آخر

پس از تمامی مطالبی که عنوان کردیم، در واقع سازمان نظام مهندسی مانند هر NGO دیگری و با تمام چالش‌های موجود، باید از حقوق و منافع اعضای خود در چهارچوب قانون دفاع نماید؛ زیرا نظام مهندسی معدن سازمانی است هدف‌گرا، آرمان‌گرا و تولیدکننده دانش مهندسی که باید اقدامات اعتلایی و پژوهشی خود را سرعت بخشد؛ چون برای رسیدن به توسعه یافتگی، مهم‌ترین و قوی‌ترین قشری که می‌تواند کمک‌کننده باشند، مهندسين هستند.

در کشور است که به دلیل عدم کیفیت مطلوب در خروجی‌های نظام آموزشی و افزایش کمی صرف، این افراد از آموزش‌های میدانی و صحرایی بازمانده‌اند و دانش کیفی اجرایی آن‌ها کافی نیست و این امر بر ارائه خدمات مهندسی توسط سازمان نظام مهندسی، سایه افکنده است.

یکی دیگر از این سیستم‌های اثرگذار بر

نظام مهندسی معدن، وزارت صنعت،

معدن و تجارت و سازمان‌های تابعه

است که هماهنگی و ارتباط متقابل

بین نظام مهندسی و دستگاه‌های

ذیربط بر تأمین و کیفیت خدمات

مهندسی مورد نیاز جامعه معدن

تأثیرگذار است. همسویی و دیدگاه

مدیران کلان وزارت متبوع در نیل به

اهداف نظام مهندسی معدن نقش بسزایی

امروزه نیاز به اکتشافات معدنی در اعماق بیشتر و بازبینی اکتشافات صورت‌گرفته در گذشته، با توجه به تکنولوژی‌های روز، بالابردن بهره‌وری استخراج مواد معدنی، استفاده از روش‌های نوین فرآوری مواد معدنی، ارزیابی فنی - اقتصادی، تحلیل ریسک، ارتقای ایمنی کار و دستیابی به توسعه پایدار در معدن و صنایع معدنی از موضوعاتی هستند که با ادامه حیات معدن کشور به‌طور جدی ارتباط دارند.

نکته مهم دیگری که نباید از نظر دور داشت این است که فراموش نکنیم نظام مهندسی درباره سایر بخش‌ها و سامانه‌ها در سطح کشور فعالیت می‌نماید؛ بنابراین

نباید نظام مهندسی را به‌عنوان یک

جزیره جدا مورد تحلیل و ارزیابی قرار

دهیم. یکی از این سامانه‌های تأثیرگذار بر

نظام مهندسی معدن، سامانه آموزش عالی





دکتر هیبت الله نژدی منش

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

ضرورت و اهمیت مطالعات تطبیقی در حوزه

حقوق معادن

حقوق معادن است. این حقوق، در یک

تعریف ساده، عبارت است از

مجموعه‌ای از قوانین و مقررات که در

خصوص معادن و فعالیت‌های معدنی

اعمال می‌شوند. مجموعه متنوعی از

قوانین و مقررات وجود دارد که به‌طور

مستقیم و غیرمستقیم بر معادن و

فعالیت‌های معدنی اعمال می‌شوند.

حقوق حاکم بر معادن مشخص

می‌کند که چه کسی، در کجا و چگونه

می‌تواند به این فعالیت‌های معدنی

بپردازد. هر کشور، به اقتضای شرایط

خاص خود مجموعه‌ای از مقررات و قوانین

را با عنوان حقوق معادن دارد.

در دنیای حقوق، گرایش به نام حقوق

تطبیقی وجود دارد که ارتباطات را در

زمینه‌های مختلف حقوقی بهبود می‌بخشد.

این اهمیت ارتباطی حقوق تطبیقی

می‌تواند به‌طور مستقیم بر زیست حرفه‌ای

مواد سازنده باتری‌ها، به‌ویژه کبالت،

کلتان و لیتیوم باشد، از این‌رو، مطالعه

تطبیقی این که چه عوامل و شاخصه‌هایی

برای تلقی یک معدن به‌عنوان معدن

راهبردی نقش دارند، دارای اهمیت است و

می‌تواند در طراحی سیاست‌های حاکم بر

معادن در کشورمان باتوجه به تحولات و

نیاز جهانی مؤثر باشد.

هر کشوری به اقتضای شرایط و ملاحظات

خاص خود، دارای سیاست فنی و حقوقی

خاصی برای بهره‌برداری از معادن است.

درعین‌حال، در این خصوص هر کشور

صاحب دانش و تجربه‌های خاص خود

است، آشنایی با این دانش و تجربه‌ها

می‌تواند در توسعه و تقویت نظام فنی

و حقوقی حاکم بر بهره‌برداری از

معادن نقش داشته باشد؛ یکی از روش

های بهره‌مندی از این تجربه‌ها و دانش

مطالعه و تحقیق است.

یکی از موضوعات مهم در حوزه معادن،

اغراق نیست اگر بگوییم همه کشورها

دارای درصدی از منابع معدنی هستند.

سهم هر یک از این کشورها می‌تواند

متفاوت باشد. در این بین، ایران یکی از

غنی‌ترین کشورها در حوزه معادن در دنیا

است و حدود ۷ درصد کل معادن جهان را

داراست. تردیدی نیست که معادن

می‌توانند نقش مهمی در تولید ناخالص

ملی کشورها و همچنین توسعه اقتصادی

داشته باشند. علاوه بر سرمایه‌گذاری

داخلی، سرمایه‌گذاری خارجی نیز می‌تواند

نقش مهمی در بهره‌برداری از معادن داشته

باشد. این بهره‌برداری امر پیچیده و

ترکیبی است. بهره‌برداری می‌تواند پیوند

بسیار نزدیکی با فناوری، محیط‌زیست،

حقوق نسل‌های آینده و توسعه پایدار

داشته باشد؛ به‌علاوه ممکن است برخی

از معادن «راهبردی» توصیف شوند و

این امر می‌تواند واکنش مستقیمی به

افزایش بالای درخواست جهانی برای

الف: قوانین و مقررات حاکم بر معادن و بهره‌برداری از آنها و مراجع ذی‌ربط
ب: نحوه اکتساب حق
ج: مالکیت بیگانگان بر معادن
د: فرآوری، پالایش، خالص‌سازی و صادرات
ه: انتقال و محدودیت‌ها
و: معامله حقوق از طریق انتقال، اجاره سهام مشاع و استخراج معادن مختلط
ز: حقوق ناشی از استفاده از سطح زمین
ح: محیط‌زیست
ط: مالکیت بومی و حقوق مالکیتی
ی: بهداشت و ایمنی
ک: جنبه‌های اداری
ل: قانون اساسی
م: مالیات و حق امتیازها (Royalties)
ن: قوانین و مقررات منطقه‌ای و محلی
س: فسخ، واگذاری و اسقاط
هر کدام از عناوین کلی فوق، می‌تواند زیرمجموعه‌های خاص خود را داشته باشد و در هر شماره، عناوین فوق در مورد یک کشور مشخص بحث و بررسی می‌گردد. در عین حال تلاش می‌شود تا پیشنهادهای لازم در خصوص قابلیت اعمال آنها در مورد نظام حقوقی کشورمان در حوزه معادن ارائه گردد.

پژوهشگر ایرانی به مطالعه تطبیقی

مسائل و موضوعات حقوقی در

نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف

بپردازد و از این طریق بتواند از یافته‌ها

و نقاط قوت و تجربه‌های حقوقی

کشورهای دیگر استفاده کند.

بنابراین، ضروری است تا به منظور تقویت، کارآمد ساختن و به‌روزرسانی نظام حقوقی حاکم بر معادن در کشورمان به مطالعه قوانین و مقررات کشورهای دیگر و همچنین بررسی تطبیقی پرداخته شود؛ از این طریق، بهتر می‌توان ایرادات و نواقص نظام حقوقی مرتبط را شناسایی کرد و در پرتو این مطالعات می‌توان راه‌حل‌های مفید و کارآمدی ارائه کرد. نتیجه این مطالعات برای طیف وسیعی از ذی‌نفعان و کاربران، چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی مفید خواهد بود.

براین اساس، در نشریه حقوق معادن

تلاش بر آن است تا در هر شماره در

خصوص تجربه و دانش یک کشور در

حوزه حقوق معادن بحث شود. این

عناوین عبارت‌اند از:

حقوق دانان و همچنین تصمیم‌سازان حقوقی مؤثر باشد و همچنین می‌تواند کمک اساسی در ارائه مشاوره درست به موکلان باشد. مطالعه حقوق تطبیقی همچنین از کوله نگیری در تحلیل‌ها و مطالعات حقوقی جلوگیری می‌کند. به‌علاوه، امکان را برای حقوقشان و به‌ویژه دانشجویان حقوق فراهم می‌سازد که برای یک مسئله حقوقی می‌تواند راه‌حلی غیر از آن چه در نظام حقوقی‌شان پیش‌بینی شده، وجود داشته باشد. افزون بر آن، حقوق تطبیقی می‌تواند درک ژرف‌تری از نظام حقوقی خودمان نیز به همراه داشته باشد. به‌علاوه می‌تواند در تفسیر حقوق داخلی ابزار مناسبی باشد، در نهایت، حقوق تطبیقی به‌ویژه زمانی بیشتر اهمیت پیدا می‌کند که اصول مشترک مجموعه‌ای از نظام‌های حقوقی دیگر خود می‌تواند منبع شکلی حقوق در یک نظام حقوقی خاص باشد.

آن چه که موضوع حقوق تطبیقی است می‌تواند یک مسئله ویژه حقوقی، یک مفهوم یا نهاد حقوقی یا اصول و مبانی نظام‌های حقوقی در جهان باشد. **در حقوق**

تطبیقی، شایسته است که حقوق‌دانان یا



دکتر کورش شعبانی

نایب رئیس انجمن مس ایران

فصل دوم قانون معادن - اکتشاف

طبیعی، خصوصاً در بدنه کارشناسی، به صورت سلیقه‌ای عمل شده و چالش بزرگی را برای مکتشف ایجاد کرده است. پس از آنکه محدوده‌ای توسط یک شخص حقیقی یا حقوقی دارای صلاحیت لازم، به ثبت رسید (چه در قالب آزادسازی‌ها و چه در قالب مزایده)، مکتشف در تمام مراحل انجام عملیات اکتشافی، برای دولت و به نفع انفال کار می‌کند، لذا بر اساس نص صریح ماده ۵ قانون می‌بایست مورد حمایت قرار گیرد.

پیشنهاد:

بهتر است در سازمان صنعت، معدن و تجارت هر استان، بخشی با عنوان، دفتر اجرای ماده ۵ قانون معادن یا دفتر تکریم مکتشفین و بهره‌برداران معادن در نظر بگیریم و از ابتدا سازمان صمت، کارشناسانی را به‌عنوان کارشناس مسئول محدوده معرفی نماید. کارشناس مسئول در کلیه مراحل ثبت یک محدوده و همچنین مراحل دریافت استعلامات تا زمان وصول پروانه اکتشاف، حتی در حین انجام عملیات اکتشافی به‌عنوان نماینده انفال و حامی آن محدوده باشد.

دولتی مصوب، انجام می‌دهد (لذا مکتشف و بهره‌بردار معدن، به‌نوعی مستأجر دولت هستند). حمایت دولت از مستأجر (مکتشف و بهره‌بردار معدن) می‌بایست بلافاصله پس از ثبت محدوده (البته با توجه به بلوکه شدن عمده سرزمین ایران، کار بسیار پیچیده‌ای است) و با توجه به استعلام‌های موردنیاز مکرر و دقیق آغاز شود.

در خصوص مورد اجاره که همان محدوده اکتشافی است، حمایت به‌گونه‌ای باشد که مکتشف بجز اجرای یک پروژه اکتشافی علمی و دقیق برای رسیدن به حداکثر ذخیره معدنی، دغدغه دیگری نداشته باشد. (در سال‌های اخیر، استعلام‌هایی که برای ثبت محدوده‌های اکتشافی از سازمان منابع طبیعی در استان تهران گرفته شد، صددرصد منفی بودند).

بستر حمایتی برای ورود مکتشف

کجاست؟!

در پاسخ به استعلامات دست‌وپاگیر قبل از صدور پروانه اکتشاف مثلاً در برخی موارد از برخورد با قوانین محیط زیستی و منابع

ماده ۵: اکتشاف ذخایر معدنی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی مجاز انجام می‌شود. وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است بستر لازم جهت اکتشاف ذخایر معدنی را در سراسر کشور برای اشخاص حقیقی و حقوقی فراهم کند. تبصره یک: دولت مکلف است در لایحه بودجه سالیانه نسبت به تأمین اعتبار لازم، جهت ایجاد بستر مناسب برای اکتشاف ذخایر معدنی در سراسر کشور اقدام نماید.

اهمیت جامع بودن ماده مذکور

باتوجه به ماده ۵ و تبصره ۱ قانون معادن که اولین قانون بخش اکتشاف است، اهمیت شرایط ورود سرمایه‌گذار به بخش اکتشاف به‌گونه‌ای است که باید برای آن اعتبار ویژه‌ای در نظر گرفت. در لایحه بودجه باید برای ورود اکتشاف گر هزینه کرد و حمایت از مکتشف و ایجاد بستر مناسب در سراسر کشور می‌بایست در دستور کار قرار گیرد. همان‌گونه که می‌دانیم معادن انفال هستند و متعلق به تمام مردم ایران و بهره‌بردار صرفاً بهره‌برداری از معدن را برای یک دوره زمانی مشخص در قبال پرداخت حقوق

صمتا

موسسه مشاوره و داوری معدن و صنایع معدنی

صمتا اولین موسسه ایرانی ارائه‌دهنده‌ی خدمات متنوع مشاوره فنی، داوری و اقتصادی در حوزه فعالیت‌های معدن کاری و صنایع معدنی، برای اتباع ایرانی و خارجی می‌باشد.

با توجه به اینکه در کشور عزیزمان ایران اسلامی، تاکنون هیچ مجموعه منسجمی در زمینه‌ی ارائه خدمات کلینیکی معدن و صنایع معدنی وجود نداشته است، نخبگان معدنی بر آن شدند تا اولین بار در مجموعه ی «صمتا» تمامی علاقمندان و اشخاص نیازمند به دریافت خدمات فنی، حقوقی و داوری را همراهی و پشتیبانی نموده و در قالب مشاوره، داوری و حکمیت اختلافات معدن کاران و موضوعات معدنی، معرفی و کلای خبره معدنی و دادگستری جامعه هدف را یاری نماییم.

لذا از تمامی فعالین معدنی ایرانی و غیر ایرانی دعوت به عمل می‌آید تا در صورت نیاز و ضرورت بهره بردن، پشتیبانی «صمتا» را تجربه نمایند.



نشانی شبکه‌های اجتماعی

موسسه مشاوره و داوری حقوقی داخلی و بین‌المللی صمتا:

 samtaadvocacy.ir

 @iran.samt

 info@samtaadvocacy.ir

 @samt_iran



فرم اشتراک ماهنامه معدن و حقوق معدن

مشترک ارجمند:

خواهشمند است قبل از درخواست اشتراک به نکات ذیل توجه فرمایید:

نشانی خود را کامل و خوانا با ذکر کدپستی مرقوم فرمایید .

جهت درخواست اشتراک این نشریه بهای اشتراک را مطابق جدول زیر به حساب جاری شماره ۱-۱۴۳۱۵۹۲۴-۱۱۰-۳۶۴ بانک پاسارگاد شعبه دیباجی شمالی به نام موسسه مشاوره و داوری معدن و صنایع معدنی صمتا واریز نموده و اصل فیش بانکی به همراه فرم تکمیل شده زیر را به نشانی: تهران خیابان سمیه ، بین فرصت و ایران شهر ، جنب بانک سپه ، شماره ۱۹۵ ، طبقه سوم ، کد پستی ۱۵۸۱۷۳۸۹۱۵ ارسال نموده یا به شماره ۰۲۱-۸۸۸۳۱۶۰۵ فکس نمایید. خواهشمند است کپی فیش واریزی را تا پایان مدت اشتراک نزد خود نگه دارید ، پس از ارسال فرم ، از طریق تماس تلفنی از دریافت آن توسط نشریه و برقراری اشتراک خود اطمینان یابید.

شماره های تماس : ۰۲۱-۸۸۸۱۲۷۰۲ ، ۰۲۱-۸۸۸۳۱۶۰۵ ، ۰۹۹۹۹۴۸۴۱۲

تعرفه اشتراک ماهنامه معدن و حقوق معدن			
نوع اشتراک	تعداد اشتراک	هزینه اشتراک (برای هر عدد)	میزان تخفیف
ماهانه	۱	۲۰۰۰۰ تومان	-
۶ ماهه	۶	۱۹۰۰۰ تومان	٪۱۰
سالانه	۱۲	۱۸۰۰۰ تومان	٪۲۰

مشخصات متقاضی

نام و نام خانوادگی (نماینده): نام شرکت:

شغل / نوع فعالیت: کد پستی ۱۰ رقمی:

استان: شهر:

نشانی کامل پستی:

تلفن تماس: تلفن همراه:

خواهان اشتراک سالانه ماهنامه از شماره تا می باشم.

مبلغ واریز شده: شماره فیش بانکی: تاریخ واریز:

خواهشمند است اشتراک اینجانب با مشخصات یاد شده را برقرار نمایید.

امضای متقاضی

تعرفه ماهنامه تا پایان سال ۱۴۰۱



صمتا

**موسسه مشاوره و داوری حقوقی داخلی
و بین المللی معدن و صنایع معدنی**

معدن و حقوق معدن

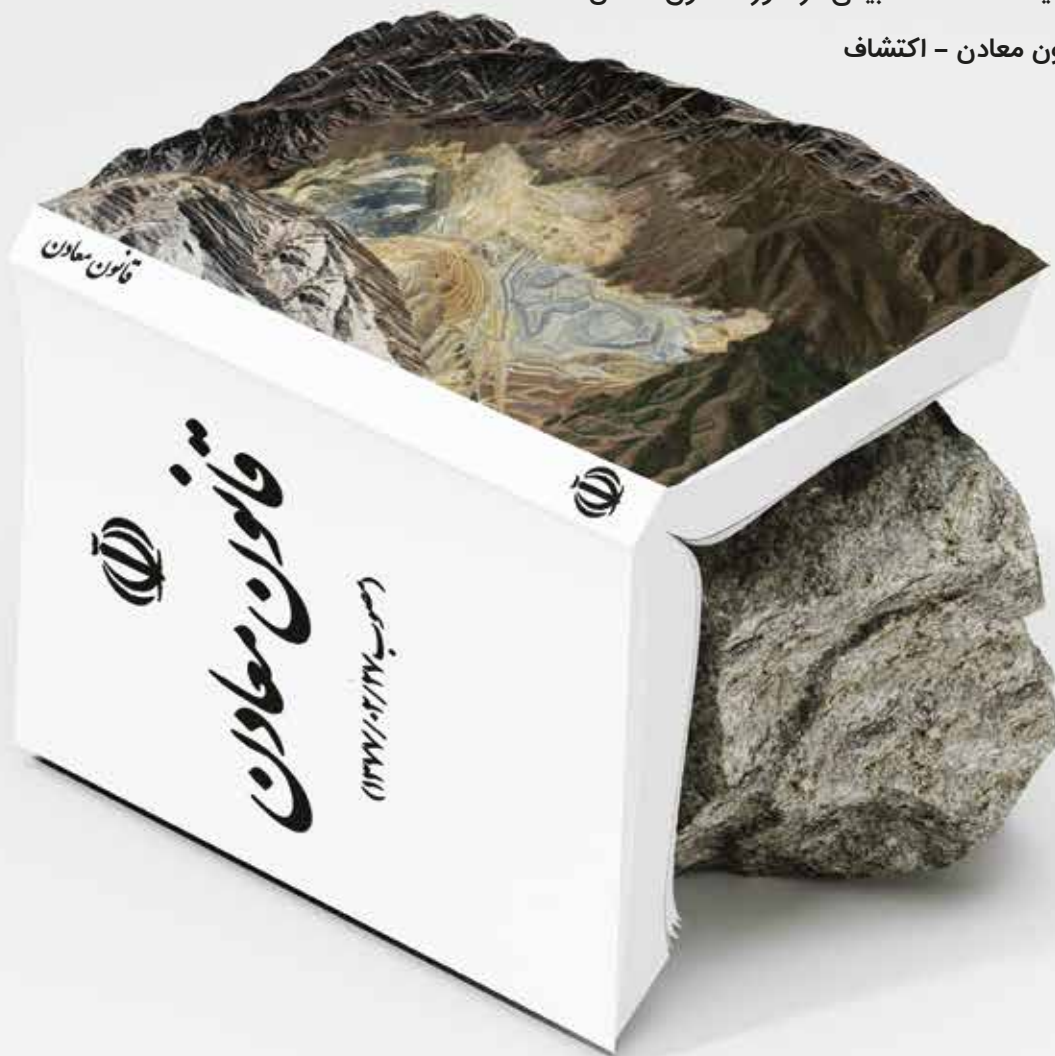
MINE AND MINING LAW

■ شماره اول ■ سال اول ■ ماهنامه حقوقی ■ مدیر مسئول: محمدرضا بهرامن ■ سردبیر: عباسعلی دریانی ■ قیمت: ۲۰۰ هزار تومان

صمنا

مشاور معدن کاران

- دلایل و مبانی قانونی مغایرت تقسیم سهم، واگذاری و صلح بخشی از معدن و پروانه بهره بردای به اشخاص
- میزگرد حقوقی، تخصصی با موضوع بررسی مواد ۱۲ و ۱۴ قانون معدن و ماده ۴۳ قانون برنامه ششم توسعه
- واکاوی حقوقی معدنکاری در اراضی موقوفه
- بررسی برخی از بندهای قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت‌های معدن از دیدگاه بخش‌های مؤثر مرتبط
- نظام مهندسی موتور پیشران معدن کشور
- ضرورت و اهمیت مطالعات تطبیقی در حوزه حقوق معدن
- فصل دوم قانون معدن - اکتشاف



- از بزرگ‌ترین و برترین شرکت‌های خصوصی پیشرو در زمینه عملیات معدنکاری
- در زمره به‌روزترین و فعال‌ترین شرکت‌های معدنی کشور
- بازویی قدرتمند و قابل اتکا برای دولت‌ها و کارفرمایان
- انجام بیش از ۷۰ میلیون تن عملیات استخراج و باطله‌برداری در سال
- ثبت بیش از ۱,۳ میلیارد تن عملیات استخراج و باطله‌برداری در معادن مختلف کشور
- مدیریت و بهره‌برداری بیش از ۳۰۰ دستگاه ماشین آلات سنگین معدنی
- تجهیز ناوگان ماشین‌آلات شرکت به تجهیزات تخصصی و منحصربفرد در کشور
- ایجاد حس اعتماد، رضایت و اطمینان در کارفرمایان
- رعایت و اهتمام به استانداردهای جهانی در نگهداری از ماشین‌آلات



بروزه‌های در دست اجرا:

- سرمایه‌گذاری جهت احداث و بهره‌برداری از کارخانجات فرآوری معدن سرب و روی مهدی‌آباد
- عملیات استخراج و باطله‌برداری معدن مس سوتگون
- عملیات استخراج و باطله‌برداری معدن مس میدوک
- عملیات استخراج و باطله‌برداری معدن مس چاه‌فیروزه
- عملیات استخراج و باطله‌برداری از معدن سنگ آهن چاه‌گز

گواهینامه‌ها:

- گواهینامه صلاحیت پیمانکاری پایه ۱ رشته کاوش‌های زمین
- گواهینامه صلاحیت پیمانکاری پایه ۲ رشته آب
- گواهینامه صلاحیت ایمنی پیمانکاران
- گواهینامه ISO 21502:2020 در زمینه مدیریت پروژه
- گواهینامه ISO 9001:2015 در زمینه مدیریت کیفیت
- گواهینامه ISO 45001:2018 در زمینه مدیریت ایمنی و سلامت شغلی
- گواهینامه ISO 14001:2015 در زمینه مدیریت زیست محیطی
- گواهینامه HSE - MS در زمینه مدیریت ایمنی، بهداشت و محیط زیست

آدرس:

دفتر مرکزی - تهران، خیابان مرزای شیرازی، نبش دوازدهم
پلاک: ۹۲، ساختمان تی بی کال - کدپستی: ۱۵۹۶۷۳۵۸۱۸
تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۸۰۰۹۰۰ - ۰۲۱ - ۸۸۸۹۳۰۱۳
www.mobinco.com / info@mobinco.com



خانه معدن ایران
IRAN MINE HOUSE



مجریان توسعه معادن آسیا

ماتما

بزرگ‌ترین ذخیره معدنی سنگ آهن در استان زنجان

بهره‌بردار معدن سنگ آهن مروارید

بهره‌بردار نمونه استان زنجان

بهره‌بردار نمونه معدنی کشور

- معدنکاری مسوولانه
- توانمندسازی جوامع محلی
- سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه
- توجه ویژه به فناوری‌های نوین و دیجیتالی شدن
- مشارکت با سایر معادن در حوزه اکتشاف، استخراج و پیش‌فراوری